

جنبش مقاومت مردم کردستان سوریه در بوته آزمایش

از دوازدهم نوامبر ۲۰۱۳ و تشکیل "شورای خودگردان انتقالی در کردستان سوریه" برای کنترل مناطقی که از زیر سلطه رژیم بشار اسد خارج شده بودند، بیش از یازده سال می گذرد. اعلام این تشکیلات خودگردان بدنبال تلاش و رایزنی «حزب اتحاد دموکراتیک» با چندین تشکل توده ای و پس از آن صورت گرفت که نیروهای مسلح کردستان، پیروزی های چشم گیری در مقابله با تعرض گروه های تروریست ارتجاع اسلامی به مناطق کردنشین، به دست آوردند. حکومت خودگردان موقت از سه ناحیه عفرین، جزیره و کوبانی تشکیل و از طریق یک انجمن ۸۲ نفره به نمایندگی کردها، اعراب، ترکمان ها، آشوریان و دیگر اقلیت ها اداره می شد.

در آن زمان و در پی اعلام حکومت خودگردان از جانب نیروهای سیاسی و نهادهای توده ای در کردستان سوریه، «شورای ائتلاف مخالفین سوریه» بلافاصله طی بیانیه ای از موضعی شوونیستی ایجاد یک نظام خودگردان، را گام برداشتن در مسیر تجزیه طلبی دانست و ایجاد دولت جدید را دشمنی با انقلاب مردم سوریه معرفی کرد. همزمان وزیر امور خارجه ای وقت ترکیه اعلام خودگردانی در کردستان سوریه را غیر قابل قبول دانست. رئیس اقلیم کردستان عراق نیز در موضعگیری مشابهی، این اقدام را محکوم کرد و با انتشار بیانیه ای حزب اتحاد دموکراتیک را به تک روی و در معرض خطر قرار دادن سرنوشت مردم کرد متهم کرد.

اما در واقع تشکیل شورای خودگردان انتقالی در کردستان سوریه در آن مقطع، از یک سو پیامد توازن نیرویی بود که در دل بحران و جنگ داخلی در سوریه شکل گرفته بود و از سوی دیگر محصول سال ها مبارزه حق طلبانه مردم کردستان علیه دولت مرکزی بود که بر متن آن کردستان به یک جامعه حزبی تبدیل شده بود و احزاب سیاسی در آن از پایه اجتماعی برخوردار شده بودند. از آنجا که حضور و استقرار نیروهای سیاسی کردستان در شهرها و روستاها در این دوره بحران جنگی کماکان خلاء یک سیستم اداری که در غیاب

بیانیه سیاسی مصوب کنفرانس سیزدهم تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران!



کنفرانس سیزدهم تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران برگزار شد!

قدرت سیاسی در کردستان بعد از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی



از جنبش مقاومت "روزاوا" در مقابل یورش دولت فاشیست ترکیه حمایت کنیم!

تلاش های مذبوحانه رژیم را با شکست مواجه کنیم!

بن بست رژیم جمهوری اسلامی و وظایف فعالین کومه له در کردستان

کارگران، زحمتکشان، انسانهای آزادیخواه و برابری طلب!
حول بدیل سوسیالیستی شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی متحد شوید!

شکست استراتژی منطقه ای جمهوری اسلامی و هذیان گویی خامنه ای

رزمایش بازدارندگی پیامبر اعظم

نشانه وحشت جمهوری اسلامی از قیام توده ای

مبارزه علیه اعدام را به جنبش سراسری تبدیل کنیم



نهادهای وابسته به دولت مرکزی اداره امور مناطق کردستان را بر عهده بگیرد را بحال خود باقی گذاشته بود، حکومت خودگردان موقت در کردستان سوریه تحت تأثیر این شرایط عمومی و برای پاسخگویی به این نیاز واقعی شکل گرفت.

اینکه آیا این تشکیلات خودگردان طی بیش از ده سال گذشته توانسته منافع اکثریت مردم کردستان سوریه را نمایندگی کند، باید بر اساس فاکت های عینی مورد ارزیابی قرار گیرد. با این حال همینکه نیروهای تشکیل دهنده حکومت خودگردان، پیشاپیش مردم کردستان سوریه را از زیر منگنه و پیامد های فاجعه بار و خونین جنگ ارتجاعی نیروهای دولتی و جبهه ارتجاعی نیروی اپوزیسیون بیرون کشیدند و با تسلیح توده ای در حد مقدرات آن دوره سنگربندی و دژ محکمی در برابر تعرض های پی در پی نیروهای داعش و میلیشیای ارتجاعی وابسته به ترکیه و تجاوزات و جنایت جنگی دولت فاشیست ترکیه در این منطقه ایجاد کردند و در مقابل خطراتی که این تجربه را تهدید می کرد، به دفاع برخاستند، دستاوردی مهم و غیر قابل انکار است.

برای نمونه شورای خودگردان انتقالی در کردستان سوریه با تکیه بر نیروی یگانهای مدافع خلق و یگانهای مدافع زنان توانست تهاجم گسترده داعش برای محاصره کوبانی و تسخیر این شهر که به تصرف و ویرانی بیش از ۳۰۰ روستای این منطقه و آوارگی بیش از ۲۰۰ هزار نفر از مردم منجر شد، را در هم شکند. در آن زمان گروه داعش با برخورداری از کمک های مالی، تسلیحاتی و لجستیکی دولتهای ترکیه، عربستان و قطر برای تصرف کوبانی از هیچ جنایتی فروگذار نکرد. دولت فاشیست اردوغان می خواست با درهم کوبیدن تجربه خود مدیریتی مردم کردستان سوریه و برقراری "خلافت اسلامی" در این منطقه، تکیه گاهی برای خود و دیگر حکومت های ارتجاعی در این منطقه ایجاد کند.

اما در اواخر ژانویه ۲۰۱۵ شهر کوبانی این اسطوره مقاومت، پس از ۱۳۴ روز نبرد متهورانانه زنان و مردان آزاده در برابر جانیان گروه اسلامی داعش بطور کامل از وجود این نیروی ضد انسانی پاک شد، خبر آزاد سازی "کوبانی" در صدر اخبار خبرگزاریهای جهان قرار گرفت و کوبانی این شهر بی نام نشان به عنوان رمز ایستادگی و مقاومت شهرت جهانی پیدا کرد. از دیگر دستاوردهای ارزنده تجربه جنبش حق طلبانه مردم کردستان سوریه، صدور بیانیه ی مربوط به حقوق پایه ای زنان در اول نوامبر ۲۰۱۴ از جانب اداره مشترک خود مدیریتی در کانتون جزیره بود. انتشار این بیانیه گام مهمی در جهت تأمین حقوق و آزادی زنان و تأمین برابری حقوقی میان زن و مرد در کردستان سوریه و در منطقه خاورمیانه است.

این بیانیه که بر برابری میان زن و مرد در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و همچنین بر حقوق زن در محیط خانواده تأکید می کند، آشکارا در تقابل با فرهنگ ارتجاع اسلامی و فرهنگ پوسیده مردسالارانه در برخورد به حقوق زنان در جامعه قرار دارد.

اعلام برابری حقوقی اقلیت های ملی و مذهبی و مشارکت آنها در نهادهای حکومت خود گردان از دیگر دستاوردهای این تجربه است.

جنبش حق طلبانه مردم کردستان سوریه یا "روژ



آوا" با این مجموعه دستاوردها، اکنون در برابر یک آزمون تاریخی قرار گرفته است. در پی سقوط رژیم دیکتاتوری بشار اسد که مطابق نقشه و برنامه از پیش تدارک شده رژیم فاشیستی ترکیه، آمریکا و در هماهنگی با دولت اسرائیل انجام گرفت، فاز جدیدی از جنایات جنگی و اشغالگری دولت ترکیه در کردستان سوریه آغاز شده است. در جریان جنگ سوریه، پس از آنکه مذاکرات آستانه ۱ و ۲ و ۳ و مذاکرات سوچی در دستیابی به یک راحل عملی برای پایان دادن به بحران جنگی ناکام ماندند، بعد از هفت سال جنگ بر پایه توازن قوایی بشدت ناپایدار، آتش بسی شکننده برقرار کردند.

بر اساس توافقات انجام گرفته از سال ۲۰۱۸ به بعد استان ادلب در شمال غربی سوریه و دارای مرز مشترک با ترکیه با یک و نیم تا دو میلیون نفر جمعیت به محل استقرار و قلمرو هیئت تحریر شام تعیین گردید. هیئت تحریر شام در همان حال که در این مدت تمرین حاکمیت و دولت داری و جذب نیرو می کرد از جانب دولت های ترکیه و قطر در هماهنگی با آمریکا به لحاظ مالی، لجستیکی و تسلیحاتی تجهیز می شد و نیروهایش مانند یک ارتش حرفه ای تحت آموزش قرار گرفتند. تداوم روند تجهیز و آموزش هیئت تحریر شام با آغاز جنگ روسیه و ناتو در اوکراین و تحریم های اقتصادی غرب علیه روسیه که کاهش حضور نظامی ارتش روسیه در سوریه را در پی داشت، همراه شد.

حزب الله لبنان و نیروهای قدس سپاه پاسداران و لشکر میلیشیای وابسته به رژیم اسلامی نیز که در

سال ۲۰۱۵ مانند پیاده نظام نیروی هوایی روسیه در جنگ با گروه های جهادی سنی و در دفاع از رژیم و ارتش بشار اسد عمل می کردند، طی یک سال اخیر زیر ضربات سنگین و پی در پی ارتش اسرائیل بشدت تضعیف شده و توان نظامی خود را از دست دادند. بدین طریق استراتژی حفظ و بقای رژیم بشار اسد که اساسا به کمک های مالی و نظامی دولت روسیه و رژیم جمهوری اسلامی تکیه داشت، به بن بست رسید. در چنین شرایطی دولت ترکیه در همکاری و هماهنگی با آمریکا و دولت قطر و با تکیه بر نیروی هیئت تحریر شام بر متن نارضیاتی عمومی از اوضاع حاکم و رژیم بشار اسد و بر متن توازن قوای جدید، در جامعه ای که در اثر جنگ و ویرانی شیرازه اش از هم پاشیده بود، سناریوی تهاجم پی در پی تصرف شهرها و مناطق تحت کنترل ارتش بشار اسد و سرانجام ساقط کردن رژیم بشار اسد را به اجرا گذاشتند.

فرماندهان فاسد و ارتش فرسوده سوریه که هیچ انگیزه ای برای دفاع از رژیم اسد نداشتند مواضع خود را یکی پس از دیگری واگذار کردند. ارتش اسرائیل در هماهنگی با آمریکا با حملات سنگین هوایی نیروی دریایی و بخش عمده زیرساخت های نظامی سوریه را نابود و با استفاده از بی عملی نیروهای صلح سازمان ملل، منطقه حائل در بلندی های جولان را دوباره به اشغال کامل خود در آورد و سناریوی دست به دست شدن قدرت از بالای سر توده های مردم را تکمیل کرد.

اکنون در غیاب نیروهای سازمانیافته انقلابی و پیشرو و آزادیخواه که در نتیجه چند دهه سرکوب و کشتار و تبعید صفوفشان تضعیف و پراکنده شده است، ائتلافی از نیروهای ارتجاع اسلامی با محوریت هیئت تحریر شام با حمایت دولت ترکیه و آمریکا و دیگر قدرتهای ارتجاعی منطقه اهرم های قدرت سیاسی در سوریه را در دست گرفته اند. در این تردیدی نیست که جریان هیئت تحریر شام هر اندازه هم برای حفظ اهرم قدرت و رضایت خاطر قدرت های غربی رویکرد محافظه کارانه در پیش گیرد، اما با تثبیت پایه های حکومت خود قوانین ارتجاع اسلامی را جاری خواهد کرد.

از این رو توده های کارگر و زحمتکش و مردم آزادیخواه و برابری طلب سوریه که در میان بیم و امید سقوط رژیم بشار اسد را جشن گرفتند راهی جز این در پیش رو ندارند که در این دوره خلاء تثبیت حکومت به هر میزان که می توانند صفوف خود را سازمان دهند و هر جا که توانستند نهادهای حاکمیت خود را ایجاد کنند. دولت ترکیه به عنوان یکی از برندگان اصلی بحران سوریه از یکسو با اعمال نفوذ بر



جریان هیئت تحریر شام و از سوی دیگر با

تکیه با نیروی میلیشیای مزدوری که تحت

نام "ارتش ملی سوریه" سازمان داده است، می خواهد در ساختار حکومت نقش داشته باشد و اهداف چند گانه خود را در سوریه پیش ببرد. جدای از اهداف اقتصادی، کسب بیشترین سهم در سرمایه گذاری برای بازسازی سوریه و حل بحران سه میلیون آورده جنگی که به ترکیه پناه برده اند، یکی از اهداف سیاسی اصلی آن نابودی تجربه حکومت خودگردان کردستان سوریه است.

همزمان با خیز برداشتن هیئت تحریر شام برای قبضه کردن قدرت در سوریه، اکنون بیش از سه هفته است که نیروهای "ارتش ملی سوریه" و ائتلافی از نیروهای فوق ارتجاعی مانند "احرار الشریه"، "جیش الشریه"، "فرقه سلطان مراد" که همه آنها وابسته و مزدور دولت فاشیست ترکیه هستند حملات گسترده ای را تحت نام عملیات "فجر آزادی" در چند جبهه علیه نیروهای دمکراتیک سوریه آغاز کرده اند. در جریان این عملیات ها پهپادها و جنگنده های ارتش ترکیه مواضع نظامی نیروهای دمکراتیک سوریه را بمباران می کنند، توپخانه ارتش ترکیه شهرک ها و روستاها و زیرساختهای اقتصادی این منطقه را زیر آتش گرفته اند و تاکنون صدها نفر را کشته و زخمی کرده و هزاران نفر از مردم منطقه را آواره کرده اند.

بعد از اشغال تل رفعت و منبج توسط نیروهای وابسته به ترکیه، نیروهای هیئت تحریر شام نیز در هماهنگی با ترکیه، عملیات برای تصرف "تل تمر" و "ابوراسین" در حومه حسکه و شهر حسکه را آغاز کرده و با نیروهای دموکراتیک سوریه درگیر شدند. همه شواهد بیانگر آن است که دولت ترکیه هم پیمان آمریکا در ناتو این تهاجم گسترده که بیش از سه هفته است ادامه دارد را در توافق دوفاکتو و عملی با نیروهای آمریکائی مستقر در این منطقه انجام داده است. اهداف اصلی عملیات ترکیه اشغال مناطق و سرزمین های تحت کنترل نیروهای دمکراتیک سوریه و تضعیف موقعیت حکومت خود گردان مردم کردستان سوریه در برابر حکومت ارتجاعی هیئت تحریر شام است.

این عملیات گسترده و هماهنگ علیه مردم کردستان سوریه در حالی است که احمد الشرع رهبر هیئت تحریر شام تاکنون بارها و از جمله در کنفرانس خبری با هاکان فیدان وزیر امور خارجه دولت ترکیه در دمشق، بر خلع سلاح و انحلال گروه های مسلح، از جمله نیروهای مسلح کردستان و ادغام آنها در ارتش سوریه تأکید کرده است. این در حالی است که نیروهای دموکراتیک سوریه که ستون فقرات آن را همان "یگان های مدافع خلق" و "یگانهای مدافع زنان" تشکیل می دهند ریشه در زندگی و مبارزه مردم کردستان دارد. این یگان های مسلح بخشی از دستاوردهای جنبش حق طلبانه مردم کردستان سوریه

هستند.

اگر مزدوران وابسته به ترکیه از میان شارلاتانها و لمپن های اسلامی و مرتجعین محلی برای تعرض به جان و مال مردم دستچین شده اند، اگر هیئت تحریر شام محصول به شکست کشاندن خیزش توده ای سال ۲۰۱۱ و به حاشیه راندن مردم سوریه و مداخله گری قدرتهای ارتجاعی منطقه است، اما نیروهای دمکراتیک سوریه از میان مردم کردستان برخاسته اند و مردم این منطقه با تکیه به همین نیروی مسلح توده ای از دستاوردهای خود در زمینه خودمدیرویتی جامعه، برابری زن و مرد، برابری اقلیت های ملی و مذهبی در برابر قانون، جدایی دین از دولت و ... در مقابل تهاجم داعش، جبهه النصره، تهاجم پی در پی نیروهای مرتجع وابسته به ترکیه و جنایات جنگی و اشغالگری دولت فاشیست اردوغان در این منطقه



از موجودیت و دستاوردهای خود به دفاع برخاسته اند. از اینرو یکی از شاخص های عبور پیروزمندانه جنبش حق طلبانه مردم کردستان سوریه از این دوره سرنوشت ساز حفظ و توده ای کردن هر چه بیشتر این نیروی مسلح است.

در شرایطی که حضور و استقرار نیروها و پایگاه های نظامی آمریکا به بخشی از واقعیت و آرایش نظامی این منطقه تبدیل شده است، برخی ارتباطات و هماهنگی های عملی میان نیروهای دموکراتیک سوریه با این پایگاههای نظامی جهت جلوگیری از درگیری های ناخواسته اجتناب ناپذیر شده است، اما نمی تواند هم پیمانی با آمریکا را توجیه کند. نیروهای وابسته به ترکیه که طی بیش از ده سال گذشته شهرها، شهرک ها و روستاهای کردستان را مورد تهاجم قرار داده و جنایات جنگی مرتکب شده اند هیچکدام از داعش کمتر مرتجع و تروریست نیستند. چطور است که آمریکا در حالی که دم از هم پیمانی با کردها در جنگ با داعش می زند، اما همزمان دست مزدوران داعشی دولت ترکیه در تعرض به جان و مال مردم این منطقه را باز گذاشته است.

آمریکا که با اهدافی فراتر از جنگ با داعش نیروهایش را در این منطقه مستقر کرده است، از نیروهای

کردستان سوریه مانند ابزاری در جنگ با داعش استفاده می کند چون نمی خواهد خون از دماغ سرباز آمریکایی بریزد. اما اگر نیروهای دمکراتیک سوریه این نقش ابزاری را برای آمریکا دارند، در مقابل، منافع و همکاری های راهبردی آمریکا و دولت ترکیه با چندین رشته به هم گره خورده اند. آمریکا به همکاری ترکیه که در نقطه اتصال اروپا، خاورمیانه و آسیای مرکزی قرار دارد و به عنوان پلی میان شرق و غرب عمل می کند نیاز دارد، پایگاه هوایی اینجرلیک در جنوب ترکیه نقش کلیدی در استقرار نیروهای امریکایی و عملیات های هوایی در خاورمیانه دارد، این پایگاه همچنین یکی از مکانهای استراتژیک برای ذخیره تسلیحات هسته ای ناتو به شمار می آید، ترکیه یکی از اصلی ترین مسیرهای عبور مهاجران و پناهندگان به اروپا است، آمریکا به همکاری ترکیه برای کنترل بحران مهاجرت نیاز دارد.

آمریکا روی همکاری ترکیه برای مهار نفوذ روسیه در مناطق اطراف دریای سیاه حساب می کند، ترکیه گذرگاه مهمی برای انتقال انرژی از خاورمیانه و آسیای مرکزی به اروپا است، آمریکا به حفظ امنیت این خطوط و کاهش وابستگی اروپا به انرژی روسیه اهمیت قائل است، ترکیه دومین ارتش ناتو را دارد و همکاری با ترکیه برای حفظ و تقویت ائتلاف نظامی غرب ضروری است. همین چند فقره از منافع مشترک دو عضو ناتو، نه تنها توافقات عملی و دوفاکتوی آمریکا با تهاجم پی در پی نیروهای وابسته به دولت ترکیه به مناطق تحت کنترل نیروهای دمکراتیک سوریه را توجیه می کند، بلکه نسبت به انجام معاملات بزرگتر بر سر سرنوشت جنبش حق طلبانه مردم کردستان هشدار دهنده هستند. گفتن همین حقایق ساده به مردم کردستان و آگاهی از ماهیت سیاست های آمریکا در آمیخته با تجاری که توده های مردم در جریان مبارزه کسب کرده اند جنبش حق طلبانه مردم کردستان سوریه را تقویت می کند.

از طرف دیگر آمریکا کارنامه ای از کودتا، لشکرکشی و اشغالگری و جنایات جنگی و سرکوب جنبش های آزادیخواهانه در گوشه و کنار جهان در پرورده دارد و یک پای اصلی نسل کشی دولت نژادپرست اسرائیل علیه ملت فلسطین در غزه است. از اینرو هر گونه هم پیمانی با آمریکا، تشکیل ستاد فرماندهی مشترک با آنها و یا دلخوش کردن به اظهارات سران دولت فاشیست اسرائیل که در اوج ریاکاری فریبکارانه از حمایت خود از مردم کردستان سخن می گویند به اعتبار جنبش ستمدیده مردم کردستان در نزد افکار عمومی پیشرو و انسانهای آزادیخواه و برابری طلب بشدت ضربه می زند. در این شرایط فقط آن نیرویی می تواند مردم ستمدیده کردستان را از این گذرگاه ها عبور دهد و منافعشان را نمایندگی کند که باور به نقش توده های مردم کارگر و زحمتکش در

مدیریت و اداره و تعیین سرنوشت جامعه را

به محک پراتیک زده باشد و تمام حقایق را

اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له

از جنبش مقاومت "روژاوا" در مقابل یورش دولت فاشیست ترکیه

حمایت کنیم!

ساختهای خدمات عمومی و صنایع و کارگاهها در شهر و روستاهای کردستان سوریه و از جمله بمباران مرکز پمپاژ آب در اطراف شهر "حسکه" در آذرماه گذشته بیش از یک میلیون نفر از مردم شهرها و روستاهای اطراف را بی آب و برق ساخت و خسارات زیادی به مردم این مناطق



وارد آورده است. دولت ترکیه با این حملات وحشیانه عرق شوونیستی خود را باردیگر به نمایش گذاشت. این جنایات که توسط ارتش عضو پیمان ناتو انجام می گیرند' مصداق بارز "جنایت جنگی علیه بشریت" است و در مقابل چشم نیروهای آمریکایی موجود در منطقه که گویا "هم پیمان روژاوا" است صورت می گیرد. گستردگی یورش مزدوران دولت ترکیه و حمایت توپخانه سنگین نیروهای هوایی ارتش ترکیه از این تهاجم نشانگر آن است که این حملات در توافق عملی و دوافکتو با نیروهای امریکایی انجام گرفته است.

در شرایط کنونی و با توجه به مخاطراتی که از جانب دولت فاشیست ترکیه، هیئت تحریر الشام و آمریکا جنبش حق طلبانه مردم کردستان را تهدید می کند، فقط حضور فعال کارگران و زحمتکشان و زنان و مردان ستمدیده کردستان سوریه در صحنه سیاسی جامعه و نهادینه کردن دستاوردهای دمکراتیک تاکنونی، تسلیح عمومی برای دفاع از این دستاوردها و تلاش برای ایجاد و تحکیم پیوند با مردم آزادخواه و برابری طلب در سراسر سوریه است که می تواند افق روشنی برای عبور از دوره را پیش روی جامعه قرار دهد. فقط آن نیرویی می تواند مردم ستمدیده کردستان را از این گذرگاه ها عبور دهد که باور به نقش توده های مردم کارگر و زحمتکش در مدیریت و اداره و تعیین سرنوشت

به دنبال سقوط حکومت بشار اسد در سوریه، حدود یک ماه است که نیروهای میلیشایی وابسته به دولت ترکیه دور تازه ای از تهاجم به شهرها و روستاهای کردستان سوریه "روژاوا" را آغاز کرده و ارتش ترکیه با توپخانه سنگین و پهبادها از مواضع این نیروها حمایت می کند. دولت ترکیه در همان حال از طریق نفوذی که بر حاکمان هیئت تحریر الشام دارد می خواهد تجربه "اداره خود مدیریتی روژاوا" را نابود و نیروهای دمکراتیک سوریه را خلع سلاح و در ارتش حکومت اسلامی تازه به قدرت رسیده سوریه ادغام کند. این سیاست فاشیستی دولت اردوغان نسبت به مردم کردستان و حملات نظامی جنایتکارانه اش به کردستان سوریه به بهانه پوچ و غیر واقعی "برقراری امنیت در داخل ترکیه"، در حالی انجام می گیرد که رهبری "اداره خود مدیریتی روژاوا" و نیروهای سوریه دمکرات (هه سه ده)، بارها اعلام کرده اند که هیچگاه اقدامی علیه ترکیه در مرزهای این کشور انجام نداده اند و حاضرند با دولت ترکیه در این رابطه وارد گفتگو و مذاکره شوند.

در روزهای گذشته دولت ترکیه گروههای مسلح مزدور خود را برای اشغال منبج و کوبانی تجهیز کرده و با پشتیبانی هوایی و توپخانه سنگین' حملات وسیعی را به دهات اطراف سد استراتژیک تشرین در "قرقوزاخ" در فاصله میان کوبانی و منبج آغاز کرده است. بنا به آخرین گزارش فرماندهی نیروهای دمکراتیک سوریه 'ارتش ترکیه' منطقه اطراف پُل "قرقوزاخ" و جنوب کوبانی را به شدت توپباران کرده و خسارات زیادی به مردم منطقه وارد کرده است. بنا به همین گزارش جنگ در منطقه همچنان ادامه دارد و تا کنون گروههای مزدور مسلح حکومت ترکیه موفق به پیشروی به طرف هیچ روستایی نشده اند؛ حملات مزبور تا حال شکست خورده؛ دهها تروریست کشته شده؛ تعدادی تانک و زره پوش درهم شکسته شده اند و یک سکوی پرتاب موشک را نیز منهدم کرده اند.

دولت فاشیست ترکیه طی سالهای گذشته و به ویژه در چندماه اخیر با بمبارانهای شدید نیروگاههای تولید برق سوخت، آب و زیر

در مورد سیاست های دولت آمریکا و منافع استراتژیک آن در همکاری با دولت ترکیه را با مردم در میان بگذارد.

در میان پیچیدگی های اوضاع کنونی و مخاطراتی که از جانب ترکیه، هیئت تحریر الشام و آمریکا جنبش حق طلبانه مردم کردستان را تهدید می کند، فقط حضور فعال کارگران و زحمتکشان و زنان و مردان ستمدیده کردستان سوریه در صحنه سیاسی جامعه و نهادینه کردن دستاوردهای دمکراتیک تاکنونی،



تسلیح عمومی برای دفاع از این دستاوردها و تلاش برای ایجاد و تحکیم پیوند با مردم آزادخواه و برابری طلب در سراسر سوریه است که می تواند افق روشنی برای عبور از دوره را پیش روی جامعه قرار دهد، و در دراز مدت فقط سمت گیری ضد سرمایه داری است که این دستاوردها را ماندگار می کند. در این شرایط تأکید بر دستاوردهایی که بر برابری میان زن و مرد در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و همچنین بر حقوق زن در محیط خانواده تأکید می کند، تأکید بر برابری اقلیت های ملی و مذهبی و جنسیتی در برابر قانون، دخالت دادن مستقیم مردم در امر اداره و مدیریت شهرها و روستاها و تأکید بر آزادی های سیاسی و رعایت آن در عمل و... می تواند به جلب همبستگی انسانهای آزادخواه و برابری طلب در سراسر سوریه با جنبش حق طلبانه مردم کردستان یاری رسانند.

مردم ستمدیده کردستان سوریه باید هم پیمانان راستین خود را در میان مردم آزادخواه و برابری طلب سوریه، منطقه و سراسر جهان جستجو کنند. مردم کردستان سوریه در دل اوضاع پیچیده کنونی بیش از هر زمان دیگری به حمایت و پشتیبانی مردم آزادخواه در کشورهای منطقه و سراسر جهان نیاز دارند. باید از جنبش حق طلبانه مردم کردستان سوریه در برابر خطراتی که آن را تهدید می کند قاطعانه پشتیبانی کرد.

صلاح مازوجی

بیانیه سیاسی مصوب

کنفرانس سیزدهم تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران!



بین بردن سیستم خدمات اجتماعی، ایجاد نامنی و خطر تروریسم، انتقال بحران از کشورهای متروپل به کشورهای پیرامونی، سازماندهی و تسلیح گروههای نیابتی و دولتهای وابسته برای ایجاد درگیریهای منطقه ای و دخالتهای ناتو به عنوان بازوی نظامی پیشبرد استراتژی آمریکا و اروپا صورت گرفت. چنین سیاستی نه تنها به گسترش و تعمیق هر چه بیشتر فقر و فلاکت میلیونها نفر از مردم مناطقی که این سیاستها پیاده شدند نظیر یوگسلاوی، خاورمیانه، افغانستان، شمال آفریقا و اکنون اوکراین بلکه در برخی از این کشورها به نابودی بنیانهای اقتصادی و ساختار دولتها منجر شده است.

اکنون ترامپ به عنوان نماینده یکی از راست ترین گرایشهای طبقه سرمایه دار حاکم در آمریکا تشدید جنگ تجاری با امپریالیسم چین تحت عنوان بازگرداندن دوران عظمت را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داده و وضع تعرفه ۶۰ درصدی بر کالاهای وارداتی از چین و تعرفه های ۱۰ تا ۲۰ درصدی بر اکثر کالاهای خارجی از جمله کالاهایی که از اروپا و ... وارد بازار آمریکا می شوند را در دستور کار دارد. تشدید جنگ تجاری علیه رقبای بین المللی از یکسو و کاهش مالیات صاحبان صنایع به بهای افزایش قیمت کالاهای مورد نیاز مردم و هزینه های زندگی در آمریکا دو سوی سیاستی میباشد که به تشدید استثمار طبقه کارگر، حملات بیشتر به دستاوردهای اجتماعی، رفاهی و حقوقی مردم و فربه تر نمودن کمپانی ها، موسسات تولیدی و طبقه سرمایه دار آمریکا منجر خواهد شد.

در چنین شرایطی نیاز به سازماندهی سوسیالیستی طبقه کارگر و پیشروان کمونیست در یک بلوک انقلابی و ضد سرمایه داری که بتواند این روند خطرناک را به چالش بکشد بیش از هر زمان دیگری ضروری به نظر میرسد. نیروهای فعال ضد سرمایه داری راهی جز این در پیش رو ندارند. تحرک و رویکرد رادیکال جنبش کارگری آمریکا در سالهای اخیر، رشد یک جریان چپ اجتماعی بر متن مبارزات توده ای علیه نژادپرستی، دفاع از حقوق زنان و علیه نسل کشی دولت اسرائیل در غزه، دفاع از حقوق مهاجرین و علیه خانه خرابی

اکنون در دوره ای به سر می بریم که نظام سرمایه داری با بحران ساختاری و فراگیر روبرو شده است، این بحران همه حوزه های اقتصاد سرمایه داری و سراسر جهان را در بر گرفته است. تلاش دولت ها و قدرتهای سرمایه داری برای کنترل این بحران رقابت میان آنها برای گسترش مناطق نفوذ را تشدید کرده و بحران های ژئوپلیتیکی به ویژه در خاورمیانه را دامن زده است. در این دوره دولت نژاد پرست اسرائیل، این متحد استراتژیک ایالات متحده در منطقه خاورمیانه در ادامه بیش از هفت دهه اشغالگری، با به راه انداختن موج تازه ای از نسل کشی مردم فلسطین در غزه ابتکار عمل را در دست گرفته و آمریکا و متحدین اروپایی آن در ناتو را با خود همراه کرده است.

در شرایطی که بحران اقتصادی کشورهای سرمایه داری با بن بست نولیبرالیسم زمینه را برای قدرت گیری راست ترین گرایشهای موجود در کمپ احزاب کاپیتالیستی هموار نموده است و ترامپ را از صندوق انتخابات آمریکا بواسطه خشم و اعتراض توده های مردم و بخشهایی از کارگران به مردم عرضه میکند، دورنمای زندگی و معیشت توده های وسیعی از کارگران و مردم زحمتکش تحت این شرایط روز بروز بدتر میشود. کاهش بیش از پیش بودجه بخشهای خدماتی و رفاهی، تشدید فشار بر اتحادیه های کارگری و محدود کردن حوزه کار و تاثیر گذاری آنان در کنار افزایش بی رویه قیمتها، بیکاری افزایش نرخ تورم، باز هم به سقوط بیشتر سطح زندگی و معیشت کارگران و اقشار کم درآمد منجر شده است. در واقع میتوان ادعا نمود که تحت چنین شرایطی و ناتوانی احزاب کاپیتالیستی در پاسخگویی به معضلات پیچیده مردم و سوء استفاده از مسئله مهاجرت و مقصر قلمداد نمودن صدها هزار کارگر مهاجر و خانواده هایشان بابت این امر زمینه بازگشت ترامپ با آئتمه رسوایی و فساد به کاخ سفید مهیا میگردد.

دست بالا پیدا کردن نولیبرالیسم در اواخر دهه ۷۰ قرن گذشته به عنوان راه حلی برای برون رفت از بحران جهانی سرمایه داری در بریتانیا و آمریکا و سپس در سایر کشورهای سرمایه داری در پی چند دهه تهاجم پی در پی به قوانین و مکانیزمهای ناظر بر کار و زندگی کارگران و اقشار فرودست، کاهش شدید حقوق و نقش اتحادیه های کارگری، کوچک نمودن دولت و از

جامعه را به محک پراتیک زده باشد و تمام حقایق را در مورد سیاست های دولت آمریکا و منافع استراتژیک آن در همکاری با دولت ترکیه را با مردم در میان بگذارد.

کومه له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران! لشکرکشی دولت فاشیستی ترکیه علیه مردم کردستان سوریه را بشدت محکوم می کند. این



جنگ اشغالگرانه در شرایطی صورت می گیرد که دولت اردوغان که با بحرانهای زیادی در داخل دست به گریبان است مدتی است فریبکارانه بحث آشتی میان کرد و ترک در ترکیه را به میان آورده است. ما از همه کارگران و مردم زحمتکش ترکیه و سوریه، افکار پیشرو و آزادیخواه و برابری طلب و نهادهای بشر دوست در سطح منطقه می خواهیم که حملات حکومت ترکیه به "روژاوا" را محکوم نمایند و ماهیت و سیاستهای ضد انسانی ترکیه را محکوم نمایند. از مردم مبارز کردستان ایران می خواهیم به هر شکلی که می توانند همبستگی و حمایت خود از جنبش مقاومت مردم کردستان سوریه را اعلام کنند. در خارج از کشور باید با برپایی کارزارهای سیاسی و تبلیغی تهاجم فاشیستی دولت ترکیه را محکوم کرد.

باید از جنبش حق طلبانه مردم کردستان سوریه در برابر تهاجم دولت ترکیه و نقشه های حکومت اسلامی سوریه برای خلع سلاح این جنبش قاطعانه پشتیبانی کرد.

سازمان باد رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد حاکمیت شورایی مردم در کردستان

کمیته مرکزی کومه له

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

۱۶ دیماه ۱۴۰۳

مردم روزآوا اکنون در شرایطی بس پیچیده و بغرنج به دفاع از دستاوردهای تاکتونی خود و حفظ و تداوم آنها بسر می برد. حمایت و پشتیبانی از دستاوردهای این مردم یکی از وظایف نیروهای انقلابی است که اجازه ندهند تاریخ اندیشی اسلامی و فاشیسم حاکم بر ترکیه آنرا از بین ببرد. در عین حال اهمیت استقلال عمل و تعیین استراتژی این جنبش توسط توده های زحمتکش، زنان، جوانان و همه کسانی که خود را با آن هم سرنوشت میدانند ضروری و تعیین کننده است. چنین امری ضرورت هوشیاری این مردم در برابر حضورنیروهای آمریکا و سایر کشورهای دیگر و خطرات ناشی از وابستگی به آنها که هر کدام به دنبال منافع خود هستند و چنانچه لازم بدانند مبارزات و دستاوردهای ارزشمند آنان را قربانی منافع خود میکنند را صد چندان میکند. حضور آمریکا در منطقه و حمایت محدود این کشور از روزآوا در پی آن شکل گرفت که مردم این منطقه در یک مبارزه جانانه و خونین داعش را شکست دادند. این حضور و حمایت مشروط از مردم این منطقه تماما بر مبنای تأمین منافع آمریکاست و هر گاه چنین امری تأمین شود آنها منطقه را ترک و "متحدان" منطقه ای خودشان را رها خواهند کرد.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی که تاکنون اساسا حول دو محور پروژه اتمی رژیم و همچنین گروههای تروریستی و مرتجع رژیم در منطقه و همسویی با روسیه و چین سازمان یافته بود، در پی تغییر معادلات سیاسی خاورمیانه، شکست استراتژیک سیاست صدور انقلاب اسلامی و در مرکز آن "هلال شیعی" و نابودی نیروهای نیابتی آن، بازگشت ترامپ به کاخ سفید و احتمال تنگتر شدن حلقه تحریمهای اقتصادی و فشارهای سیاسی آمریکا و هم پیمانهای اروپایی آن با چالشهای سهمگینی روبرو است. بسیاری از رقبای منطقه ای رژیم مانند ترکیه و عربستان دستی بسیار بالاتر در تغییر و تحولات منطقه و بویژه در سوریه خواهند داشت. قطعا جمهوری اسلامی در منطقه دیگر قدرت سابق را ندارد و متحمل شکستی سنگین و جبران ناپذیر شده و به این اعتبار قدرت و موقعیتش در داخل کشور هم تا حدودی تضعیف شده است.

تهاجم و پیشرویهای دولت نژادپرست اسرائیل بدون پشتیبانی اطلاعاتی، امنیتی و نظامی امپریالیسم آمریکا و متحدین اروپایی آن ممکن نبود. نیروهای این جبهه بخوبی از به بن بست رسیدن استراتژی جنگ فرسایشی جمهوری اسلامی در منطقه آگاه هستند و اکنون بنظر میرسد، دولت اسرائیل تلاش دارد دامنه تغییرات در سوریه را به ایران بکشد. آنان بخوبی از ناتوانی و درماندگی رژیم ایران در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و امنیتی و بویژه امواج فزاینده اعتراضات توده ای و کارگری آگاهند. آنان میدانند که

مردم کردستان سوریه است. اردوغان علیرغم تظاهر به حل و فصل مسئله کردهای ترکیه با تداوم جنگ علیه حزب کارگران کردستان ترکیه، پ.ک.ک، تداوم اشغال مناطقی از کردستان عراق و سوریه و تلاش برای گسترش آن و همچنین حمایت مالی، نظامی و اطلاعاتی از نیروهای جهادی در سوریه عملا مقاصد تجاوزکارانه، ارتجاعی و فاشیستی خود را به نمایش گذاشته است.

در مقابل همه این توطئه ها و جنایتهای رژیم اردوغان علیه جنبش حق طلبانه مردم کردستان سوریه که به بهای نا امن کردن منطقه، گسترش اسلام سیاسی و رشد نیروهای تاریک اندیش و مرتجعی نظیر داعش و همچنین کشتار هزاران نفر از مردم انجام شده است، این اما سرنوشت محتوم منطقه، سوریه و بویژه کردستان سوریه نیست. هم اکنون یک جنبش حق طلبانه و مردمی در مناطق کردستان سوریه وجود دارد که دستاوردهای بسیار مهمی در عرصه همزیستی مسالمت آمیز جوامع مختلف اتنیکی و آیینی، آزادی زنان و ایجاد زمینه مناسب برای مشارکت توده ای و بویژه زنان در ساختارهای موجود تا عالیترین سطح تصمیم گیری، ایجاد یک میلیشیای رزمنده که مصمم به دفاع از دستاوردهای روزآوا میباشد و همچنین جلب و جذب همبستگی بسیاری از نیروهای مترقی و چپ از مردمان این منطقه داشته است.



سقوط رژیم فاشیستی اسد اکنون زمینه شکل گیری جغرافیای جدید منطقه ای و جابجایی توازن قوا میان قطبهای کاپیتالیستی را رقم زده است. بازندگان اصلی چنین تغییراتی تاکنون روسیه و رژیم ایران و نیروهای نیابتی آن بوده اند. سرنوشت مردم سوریه در این میان کماکان در هاله ای از ابهام قرار دارد. در نبود یک نیروی انقلابی و پیشرو در سطح سراسری که بتواند از فرصتهای پیش آمده استفاده نموده و توده های زحمتکش و فرودست و بویژه زنان و جوانان را سازمانیابی نماید، خسران بزرگی است که دست بالا گرفتن جریانات مرتجع اسلامی و امید بستن به حمایت آمریکا، سناریوهایی هستند که قربانیان اصلی همانا مردم سوریه و سایر مردمان کشورهای منطقه خواهند بود.

و فقر و بیکاری روز افزون بستر مناسبی برای سازمانیابی خواستها و مبارزات ضد سرمایه داری طبقات زحمتکش و فرودست مردم و مرزبندی با احزاب رفرمیست و بورژوازی بوجود آورده است. تجمع و تحزب رهبران این جنبشها و بویژه پیشروان سوسیالیست و انقلابی طبقه کارگر در یک بلوک انقلابی ضد سرمایه داری است که می تواند آمریکا را از کنترل دو حزب بورژوازی حاکم رها کند. چنین جنبشی می تواند وعده های دروغین هر دو حزب را به چالش کشیده و راه سومی پیش پای مردم بگذارد. بدون چنین روندی جهان پیشارو تحت حکمرانی سرمایه داران و حکومتهای مستبد و سرکوبگر چیزی جز تداوم جنگ و خونریزی و تخاصمات قدرتهای امپریالیستی که بیش از پیش توده های کارگر و زحمتکش مردم را فقیرتر و خطر نابودی زمین را محتملتر کنند، نخواهد بود.

در حالی که جنایات جنگی علیه مردم فلسطین و حمام خونی که در غزه به راه افتاده است افکار عمومی بشریت آزادیخواه و برابری طلب در سراسر جهان را علیه دولت اشغالگر و نژادپرست اسرائیل و آمریکا برانگیخته است، حکومت های ارتجاعی منطقه ریاکارانه سنگ دفاع از مردم فلسطین را به سینه زده و در همانحال هیچ فرصتی را برای عادی سازی مناسبات با دولت اسرائیل و بند و بست با آمریکا در راستای منافع خود و علیه منافع مردم ستمدیده فلسطین از دست نداده اند.

مهمترین نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در ارتباط با فلسطین و لبنان شکست بزرگ و غیر قابل جبرانی خوردند. حماس، جهاد اسلامی و حزب الله لبنان تا حدود زیادی نابود شدند و هیچ چشم اندازی برای بازگشت به موقعیت سابق را ندارند. از دست دادن غزه و جنوب لبنان توسط حماس و حزب الله لبنان و کشته شدن رهبران و فرماندهان این جریانات و افول وسیع توان نظامی آنها، با توجه به برتری نظامی اسرائیل، آنها را از نیروهای نظامی قدرتمند منطقه ای به نیروهای گروه فشار سیاسی و حاشیه ای تبدیل کرده است. با سرنگونی دولت اسد نیروی تدارکاتی و رابط با جمهوری اسلامی آنها در پشت جبهه نیز از بین رفته و به این اعتبار "محور مقاومت" اسلامی در فلسطین، لبنان و سوریه فروپاشیده است. با توجه به این تحولات و تغییر آرایش سیاسی در منطقه، جمهوری اسلامی ایران تا حدود بسیار زیادی قدرت منطقه ای خود را از دست داده و میلیاردها دلار سرمایه گذاری جمهوری اسلامی دود شده و به هوارفته است.

استراتژی ترکیه در سوریه بخشی از بلند پروازیهای رژیم اردوغان در گسترش نفوذ ترکیه در منطقه و بویژه سرکوب جنبش حق طلبانه و عدالتجویانه

و حشت سرنگونی خواب را از چشمان سران جنایتکار و فاسد رژیم جمهوری اسلامی ربوده و جرات درگیر شدن با اسرائیل را ندارد.

اکنون قریب سه سال از جنگ نیابتی اوکراین میگذرد. این جنگ امپریالیستی که قدرتهای غربی تلاش میکنند آغاز آن را به حمله روسیه در دوم فوریه ۲۰۲۲ نسبت دهند، در حالیکه مدتها پیش از آن با تصمیم ناتو برای گسترش این پیمان نظامی به مرزهای روسیه، انقلابات مخملی در گرجستان و سپس در اوکراین که بدنبال آن روسیه جزیره کریمه را تصرف نمود آغاز شده بود. کشورهای امپریالیستی غربی در حالی بر ادامه جنگ اوکراین که آنرا جنگ دفاع از ارزشهای اروپایی و جنگ جهان آزاد با دولت استبدادی روسیه می خوانند پافشاری می ورزند که خود در مارس ۱۹۹۹ با حمله به یوگسلاوی جنگ ۷۸ روزه‌ای را به این کشور تحمیل نمودند که در طول آن دهها هزار نفر کشته و این کشور همراه با زیرساختهای مهم آن از هم پاشید. همین اقدام ناتو زمینه را برای حمله به عراق و سایر دخالتهای غرب در کشورهای جهان را هموار ساخت.

کشورهای امپریالیستی چه آمریکا و متحدین اروپایی آن و چه امپریالیسم روسیه با بیشرمی هر چه تمامتر تلاش ورزیده اند تا ماهیت ارتجاعی و ویرانگر این جنگ و تبعات آنرا از چشم مردم دور نگه داشته و یا وارونه جلوه دهند. آنها به مردم نمی گویند که این جنگ رقابت میان قدرتهای سرمایه داری و امپریالیستی هر دو قطب با هدف تقسیم جهان و توسعه مناطق نفوذ و به غارت ثروتها و منابع نیروی کار ارزان تر دیگر کشورها انجام میگردد. نتیجه بلافصل این جنگها و رقابتهای انباشت سرمایه در دست تعداد اندکی و به فقر کشانده شدن میلیاردها تن از توده های محروم جهان و گوشت دم توپ شدن ده ها و صدها هزار انسان است. از همین رو سران کشورهای غربی در حالی که ریاضت اقتصادی کم نظیری را بر توده های کارگر و کم درآمد کشورهای خود به بهانه تامین مخارج این جنگ تحمیل نموده اند، شرکتها و کمپانی های اسلحه سازی و نفت و گاز سودهای کلان میلیاردی کسب می کنند. هزاران نفر از مردم روسیه و اوکراین کشته و منابع اقتصادی و زیر ساختهای اوکراین بشدت صدمه دیده است.

در عین حال بازگشت ترامپ به کاخ سفید اگر چه ممکن است به خاتمه این جنگ منجر شود، نباید شک نمود که این مسئله ربطی به مخالفت وی با جنگ آنگونه که برخی ها مطرح میکنند ندارد، بلکه به علت تلاش وی برای کاهش فشار این جنگ بر اقتصاد آمریکا و بسیج نیرو و امکانات و بذل توجه بیش از پیش آمریکا به رقابت و جدال با چین

است. چنین امری اما یک سرشکستگی آشکار برای کشورهای اروپایی که در طول این جنگ تلاش ورزیدند با ارائه تصویری هولناک از روسیه و وحشت افکنی در میان مردم بدترین ریاضت اقتصادی را به آنان تحمیل نموده و همزمان با در هم شکستن سرویسهای خدمات عمومی و نقض آزادیهای فردی و اجتماعی مردم هر گونه صدای مخالفی را به عنوان همراهی با کرملین و خیانت به امنیت اروپا سرکوب کنند.

در آمریکای لاتین طی همین سالهای اخیر، دولت های حاکم در شش اقتصاد بزرگ این منطقه که همگی از متحدان نزدیک دولت آمریکا بودند، یکی پس از دیگری جای خود را به دولت های "چپ" بورژوا رفرمیست دادند. این جایجایی قدرت محصول شکست سیاست های نئولیبرالی و بر متن آن رشد جنبش های توده‌ای علیه سیاست های ریاضت اقتصادی مورد حمایت صندوق بین المللی پول با هژمونی آمریکا بوده است. در سودان پس از جنبش مردمی و مطالباتی شاهد آغاز جنگ بین دو بخش از حکومت سابق هستیم و در حالی که بدون دخالت کارگران و بخشهای پیشرو و آزادیخواه و سازماندهی توده ای راهی برای پایان دادن به جنگ و خونریزی وجود ندارد. دخالتهای آشکار و پنهان قدرتهای امپریالیستی و نیروهای نیابتی برای به حاشیه راندن اعتراضات حق طلبانه مردم در این کشور باعث مرگ، ناامنی، بی خانمانی، گرسنگی، بیکاری، تجاوزهای گسترده به زنان و نابود شدن زیر ساخت های کشور و آواره شدن میلیون ها نفر از خانه و کاشانه خود شده است.

این بحران ها و اوضاع پر تلاطم جهان، دو پدیده اجتماعی و گرایش متضاد یعنی گسترش مبارزات کارگری و رشد جریان های راست افراطی را همزمان و به موازات هم رشد داده است. بر بستر تداوم بحران سرمایه داری جریان های راست افراطی و نئوفاشیست تا حدودی موفق شده‌اند خشم و اعتراض برانگیخته شده بخش هایی از جامعه علیه وضع موجود را به بیراهه برده و علیه جناح چپ جامعه و مهاجران و پناهجویان معطوف کنند. عروج دوباره ترامپ در آمریکا بر بستر این اوضاع قابل توضیح است. راست افراطی هیچ بدیل اقتصادی منسجمی در برابر بن بست الگوی نئولیبرالیسم و جهانی سازی نئولیبرالی ندارد، و در غیاب یک بدیل قدرتمند رادیکال و سوسیالیستی، از خشم و اعتراض بخشی از جامعه از پیامدهای بحران سرمایه داری؛ تغذیه می کنند.

تحت این شرایط، اعتصابات و اعتراضات کارگری علیه تعرض دولت ها به کار و زندگی و معیشت کارگران، جنبش جهانی همبستگی با مردم فلسطین علیه نسل کشی دولت اسرائیل و حامیان آن در ناتو،

جنبش ضد آپارتاید نژادی و جنسیتی، جنبش دفاع از محیط زیست، جنبش دفاع از آزادی بیان و مطبوعات و مقابله با تعرض دولت ها به آزادی های سیاسی در همان حال که امید به ساختن جهانی بهتر، جهانی آزاد و برابر را زنده نگه داشته، بستر مناسبی برای گسترش فعالیت سوسیالیستی در سراسر جهان فراهم آورده است. نام مارکس دوباره بر سر زبان ها افتاده و نقد مارکس از سرمایه داری دوباره در میان نسل جوان طرفدار پیدا کرده است.

در چنین شرایطی، طبقه کارگر بین المللی و جنبش سوسیالیستی رسالت بزرگی برای پاسخ دادن به وضعیت موجود به عهده دارند. مبارزه با بورژوازی خودی و ایجاد و بسط همبستگی طبقاتی فرا کشوری با کارگران سایر کشورها در مبارزه با سیاستهای ضد کارگری نظامهای حاکم، همراهی و رهبری جنبشهای اجتماعی مدافع حقوق فردی و اجتماعی، محیط زیست، ضد جنگ، ضد آپارتاید جنسی، جنسیتی و دینی، و لغو اعدام و شکنجه از جمله موضوعات مهمی هستند که بایستی در دستور کار آنان قرار گیرد. با این وجود بدون پاسخگویی به خلاء نبود یک آلترناتیو سوسیالیستی نیرومند و در دسترس و ایجاد احزاب کمونیستی که رسالت سیاسی، فکری و عملی پیشبرد آنرا در دستور کار خود قرار دهند، امکان به چالش کشیدن نظام استثمارگر، فاسد، جنگ افروز و ویرانگر سرمایه داری موجود بسیار ضعیف خواهد بود.

جنبش انقلابی مردم ایران برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی علیرغم اُفت و خیزهای جنبش زن زندگی آزادی با او جگیری مجدد مبارزات کارگران در بخشهای مختلف صنعت، آموزش، ترانسپورت، نفت و گاز، بهداشت و درمان و بازنشستگان ادامه یافته است. کارگران ایران در حالی در یکسال گذشته مباردت به برگزاری بیش از دو هزار حرکت اعتراضی نمودند که جمهوری اسلامی تلاش نموده با تشدید سرکوب و بگیر و ببند و زندانی نمودن فعالین جنبش کارگری و سایر جنبشهای اجتماعی و بویژه اعدام زندانیان فضای جامعه را بیش از پیش تنگ نموده و مانع پیشروی این جنبشها گردد.

مقابله خونین جمهوری اسلامی با جنبش ژینا و کشتار بیش از ۶۵۰ معترض در خیابانها و سیاهچالهای رژیم و ادامه دستگیریهها و تشدید فشار بر خانواده زندانیان و همچنین خانواده های دادخواه، علیرغم هزینه های بس گرانی که برای جنبش انقلابی سرنگونی جمهوری اسلامی داشته به هیچ عنوان نتوانسته است اعتراض توده های وسیع مردم جامعه و بانگ رسای زندانیان سیاسی را خاموش کند. مقاومت زندانیان در برابر فشارهای مضاعف



چه باید کرد؟

واضح است که چپ کارگری و سوسیالیستی در جهان فاقد یک آلترناتیو و بلوک قدرتمند است و لذا تلاش برای ایجاد یک بلوک سوسیالیستی در هر کشور و منطقه ای وظیفه ما کمونیست ها است اما با توجه به ویژه گی ها و صف بندی های هر کشور و منطقه راه های متفاوتی برای تحقق آن وجود دارد. جنبش ضد سرمایه داری در جهان گسترش یافته و باید تلاش کنیم تا هر چه بیشتر آن را سازمانیابی کنیم.

جمهوری اسلامی در مقابل کارگران و مردم ایران هیچ اعتباری ندارد و با موج فزاینده ای از اعتصابات و مبارزات روبرو است. ما نیز به سهم خود به متشکل شدن آنها باید کمک کنیم. کمونیست های انقلابی در خارج کشور همانطور که تلاش کرده اند یک بلوک سوسیالیستی ایجاد کنند و در پشتیبانی از کارگران و مردم ایران فعال بوده و هستند، با اقداماتی هدفمند می توانند مبارزه ضد سرمایه داری را تقویت کنند و همچنان در راستای ایجاد یک آلترناتیو سوسیالیستی و کارگری در داخل و خارج کشور فعال باشیم و این یکی از پرمترین وظایف ما در این دوره تاریخی است.

در کنار مبارزه با جمهوری اسلامی به مثابه دشمن اصلی، مبارزه علیه تمامیت بورژوازی نیز باید همواره در دستور ما باشد. اپوزیسیون بورژوا لیبرال و سلطنتی به پشتوانه امکانات و رسانه های قدرتمند سرمایه داری در تلاش برای سوار شدن بر موج مبارزات کارگران و مردم هستند. در مقابل تنها با افشاگری و مبارزه نظری و سیاسی پیگر و مداوم می توانیم چهره و ماهیت واقعی آنها در داخل و خارج کشور را نشان بدهیم. تبدیل شدن به یک آلترناتیو سوسیالیستی و کارگری در کنار سازمانیابی مبارزات علیه جمهوری اسلامی، مبارزه علیه آلترناتیو های دست راستی را نیز ضروری نموده و نباید از آن غافل بشویم. در جریان مبارزه با آلترناتیو های بورژوایی است که آلترناتیو شورایی قدرتمندتر خواهد شد.

ما کمونیست ها که بخش جدایی ناپذیری از جنبش کارگری هستیم در خارج کشور نیز به مثابه متحد و پشتیبان جنبش کارگری در داخل کشور، می توانیم نهادها و تشکل های پشتیبان و متحد جنبش کارگری را تقویت و مورد تجدید سازمانیابی قرار بدهیم. احزاب و نیروهای چپ و کمونیست با همکاری با افراد مستقل و منفرد سوسیالیست و انقلابی، پشتیبانی و اتحاد بهتر و موثرتری می توانند با جنبش کارگری و دیگر جنبش های مردمی در ایران ایجاد کنند. صف مستقل نیروهای چپ و کمونیست در آکسیون های حمایتی و مشخصا در جریان جنبش ۱۴۰۱ در خارج کشور پرنسب های ما را نشان داد که در سازمانیابی مجدد می تواند موثر واقع شود و به تقویت یک بلوک کارگری مدافع حکومت

ایران وظایفی بس سترگ و مهم در پیش روی خود دارند. درک ضرورت های این مرحله از جنبش انقلابی و ضرورت تلفیق مبارزات اقتصادی با خواستهای سیاسی مناسب با وضعیت موجود و توجه ویژه به جنبشهای توده ای و اجتماعی پیشرو برای خلاصی از تمامیت حکومت سرمایه داری جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری بسیار حیاتی است. تجربه حاصله از جنبش انقلابی زن زندگی آزادی نشان میدهد که جلب توجه، همراهی، همبستگی و اعتماد توده های مردم با مبارزات کارگری و ایجاد بستر مناسب نه تنها در محیط کار بلکه در هر کوی و برزن برای سازمانیابی توده های مردم بسیار حیاتی است. جمهوری اسلامی بدلیل تناقضات عدیده در ساختار فاسد و ناکارآمد سیاسی و ایدئولوژیک، ناتوانی در حل معضلات اقتصادی، بحرانهای هر دم فزاینده داخلی و از دست دادن توان تجدید قوا و باز آفرینی فرصتهای لازم هر چه بیشتر خود را در مقابل جنبش کارگری و توده های وسیعی از مردم خواهد یافت که به چیزی کمتر از سرنگونی و سپردن تمامیت آن به زباله دان تاریخ تن نخواهند داد. فراموش نکنیم که بحران توریته و مشروعیت رژیم در جریان سه انتخابات کذایی در مدتی کمتر از چهار ماه که با دست رد اکثریت بزرگی از مردم ایران رقم خورد، بیش از پیش تعمیق یافته است.

جنبش انقلابی مردم کردستان با شروع خیزش انقلابی زن، زندگی، آزادی و ماهها مبارزه فعال و همه جانبه با رژیم بر نقش رادیکال و فعال خود در مبارزه علیه رژیم صحنه گذاشت و در دومین سالگرد قتل مهسا با دست زدن به اعتصاب عمومی بار دیگر نقش مهم و اساسی خود در تحولات سیاسی و انقلابی در ایران را خاطر نشان نمود. تداوم جنبش انقلابی ژینا با اعتصاب عمومی شهریور ۱۴۰۳ در کردستان یکبار دیگر بر این واقعیت مهر تایید زد که اصلترین مانع تحقق رفع ستم ملی و سایر خواستهای طبقاتی، اجتماعی و آزادیخواهانه در کردستان رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی است و بدون سرنگونی انقلابی این رژیم ملیتهای ساکن کشور به خواستهای خود دست نخواهند یافت.


در این شرایط طیفهای متفاوت اما هم منفعت بورژوازی ایران علیرغم اختلافهایی که در عرصه جهت گیریهای اقتصادی جمهوری اسلامی و ندادن فرصت و جایگاهی که از آن انتظار دارند، همراه و هم سرنوشت جنبش انقلابی مردم ایران برای آزادی و برابری نخواهند بود و در صورت پیشروی این جنبش برای بدست گرفتن سکان قدرت سیاسی در مقابل آن خواهند ایستاد. بنابراین افشاء نمودن سیاست این بخش از اپوزیسیون و ایزوله نمودن آنها در جنبشهای اجتماعی بایستی یکی از محورهای مهم پیشروان جنبش کارگری و سوسیالیستی باشد.

قداره بندان رژیم و تداوم سه شنبه های اعتراضی علیه مجازات اعدام گواه این امر است. مقاومت و به چالش طلبیدن تمامی نهادهای اطلاعاتی، امنیتی و نظامی و شبه نظامی رژیم توسط خیل عظیم زنانی که حاضر نیستند به سیاستهای قرون وسطایی و پوسیده رژیم تن دهند و گسترش این مقاومت توده ای به سایر بخشهای جامعه نشان میدهد که جمهوری اسلامی بر آتشفشانی از خشم و اعتراض کارگران، تهیدستان و آزادیخواهان جامعه و با زور سرنیزه و اعدام و کشتار حکومت میکند. چنین نظامی به گواه تاریخ هرگز دوام نخواهد داشت.

حکومت اسلامی ایران به دلیل رویکرد ارتجاعی و قرون وسطایی خود در حوزه های ایدئولوژیک، فرهنگی و اجتماعی و ساختارهای بشدت فاسد، پیچیده و ملوک الطوائفی در تمامی ۴۵ سال گذشته تلاش نموده با موج سواری بر بحران های مختلف به حیات خود ادامه دهد. چنین وضعیتی در کنار ماهیت طبقاتی و اولویتهای ایدئولوژیک و سیاسی رژیم وضعیت توده های کارگر و زحمتکش را از آنچه هست بدتر خواهد نمود. از همین رو رژیم تلاش خواهد نمود برای تداوم حکومت فاسد و فقر و فلاکت گستر خود، بحران و بن بست در سیاستهای ماجراجویانه منطقه ایش که بگونه ای اجتناب ناپذیر به تشدید اختلافات درونی آن و ریزش فزاینده مشروعیت و تجزیه نیروهای منجر خواهد شد، باز هم بیشتر فضای داخل کشور را محدود و به سرکوب و زندان و شکنجه و اعدام برای ممانعت از پیشروی جنبش انقلابی برای سرنگونی رژیم دامن بزند. سیاستی که با نه بزرگ توده های میلیونی مردم ایران در سه انتخابات پی در پی، تداوم اعتراضات و اعتصابات کارگری و سایر توده های مردم و اعتصاب بزرگ مردم کردستان جواب خود را دریافت کرده است.

یک وجه دیگر سیاست منطقه ای جمهوری اسلامی محدود نمودن حضور نیروهای اپوزیسیون رژیم در کردستان عراق بوده است که دست اندرکاران رژیم با همکاری رژیم عراق و حکومت اقلیم کردستان تلاش ورزیدند از آن به مثابه یک پیروزی بزرگ رژیم در مقابل این نیروها یاد کنند. در مقابل اعتصاب عمومی مردم کردستان در دومین سالگرد قتل مهسا (ژینا) امینی علیرغم تهدیدات امنیتی و نظامی رژیم این سیاست رژیم را نیز به شکست کشاند و ثابت نمود مبارزه واقعی کارگران و زحمتکش و سایر نیروهای آزادیخواه و مبارز در کردستان در کارخانه ها، مدارس و اماکن کار و زیست آنان جریان دارد و رژیم جمهوری اسلامی هرگز قادر نخواهد بود مقاومت و مبارزه آنان را به شکست بکشاند.

در چنین شرایطی طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی

 شورای منجر گردد.

تا بتوانند چنین مبارزه ای را از آن خود دانسته و به همکاری و مبارزه مشترک روی آورند.

امروز جمع کثیری از فعالین و تشکیلاتهای چپ و کمونیست ایرانی در خارج کشور بسر میبرند. چنین نیروی قابل توجهی میتواند نقش بسزایی در جلب و جذب حمایت و پشتیبانی بین المللی احزاب و جریانهای چپ و رادیکال از مبارزات کارگران و جنبشهای اجتماعی ایفا نماید. در عین حال، ما وظیفه داریم بطور پیگیر از مبارزات کارگران و توده های مزد بگیر و جنبشهای مترقی حمایت فعال و عملی به عمل آوریم. تشکیلات خارج کشور حزب ما پیگیرتر از گذشته برآن است تا این وظیفه خود را پیش برده و از همین رو از سایر نیروهای چپ و کمونیست انتظار دارد شانه به شانه هم به این وظیفه انترناسیونالیستی خود جامه عمل بپوشانیم.

یکی دیگر از اولویتهای مبارزاتی و تشکیلاتی ما در خارج کشور حمایت و پشتیبانی از جنبش انقلابی مردم کردستان است. در این زمینه توسعه و ارتقاء تلاشهای شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست کردستان بسیار مهم است. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی با تمرکز بیش از پیش نیروهای امنیتی، اطلاعاتی و نظامی خود در کردستان و تشدید فشار بر فعالین جنبش کارگری و سایر جنبشهای اجتماعی تلاش ورزیده تا هزینه مبارزه را برای انقلابیون آزادیخواه و سوسیالیست کردستان بیشتر کند. چنین سیاستی اگر چه با مقاومت و پایداری و اتخاذ تاکتیکهای متنوع و به موقع رهبران عملی این جنبشها تاکنون با شکست مواجه شده است، بذل توجه هر چه بیشتر و ایجاد فشارهای مختلف بر رژیم و تداوم و تشدید حمایت های مبارزاتی، مالی و تدارکاتی از مبارزات مردم انقلابی کردستان از وظایف تعطیل ناپذیر ما و همه انقلابیون آزادیخواه و کمونیست خواهد بود.

ماشین کشتار و اعدام جمهوری اسلامی کماکان در کار است و با هر اعتراض و برآمد توده ای وحشیانه تر به اعدام و کشتار انقلابیون اسیر و سایر زندانیان ادامه خواهد داد. ایرانیان خارج کشور و بویژه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب وظیفه دارند بیش از پیش شعار آزادی زندانیان سیاسی و خواست لغو مجازات اعدام به عنوان قتل دولتی را در هر اعتراض و حرکتی در صدر خواسته های خود قرار داده و با دست زدن به اقدامات نمادین و موثر هزینه جنایتهای جمهوری اسلامی را برای این جانین بالا ببرند.

کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران

ژانویه ۲۰۲۵

یکی دیگر از وظایف عاجل ما دفاع از حقوق پناهندگان و مهاجرین است. امروزه در تقریباً تمامی کشورهای غربی و آنهایی که بدلائیل منطقه ای درصد قابل توجهی از پناهندگان را در خود جای داده اند حقوق پناهندگی بشدت زیر ضرب قرار گرفته است. وضعیت پناهجویان در کشورهایی نظیر ترکیه از اینهم بسیار وخیمتر است.

امروزه در سایه سیاستهای راست روانه و نژاد پرستانه برخی کشورهای غربی، حمایت از پناهجویان به پایین ترین سطح خود رسیده و صدها هزار پناهجو در این کشورها مدتهاست منتظر تعیین تکلیف پرونده های پناهندگی خود هستند. بسیاری از اتحادیه های کارگری، نهادهای دمکراتیک و سازمانهایی که سنتاً از حقوق پناهندگی حمایت میکردند به دلایل سیاسی و تبعات بازتاب منفی در میان رای دهندگان یا سکوت میکنند و یا موضع قاطعی اتخاذ نمیکند.

در چنین شرایطی، یکی از وظایف اساسی نیروهای چپ و کمونیست و همه مدافعین حقوق پناهندگی آن است که با بسیج خیل عظیم پناهجویان در همکاری فعال با سازمانهای پناهندگی و حقوق انسان در برابر امواج نژادپرستانه و ضد خارجی ایستاد و از حقوق پناهندگی که جزیی جدایی ناپذیر از حقوق انسان است دفاع نمود.

مبارزات کارگران، زحمتکشان و توده های آزادیخواه و برابری طلب برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی کماکان با گامهای استوار به پیش میرود. میزان پیشروی، عقب نشینی های مقطعی و سرعت این روند اگر چه بنا به شرایط داخلی و بین المللی متغیر خواهد بود، جمهوری اسلامی ایران سرنوشتی جز سرنگونی نخواهد داشت چرا که قادر نخواهد بود نیازهای اساسی توده های میلیونی کارگر و زحمتکش ایرانی را برآورده کند و با ادامه هر روز از حاکمیت فاسد، استثمارگر و ویرانگر خود بر دامنه و عمق فقر و فلاکت میلیونی توده های مردم خواهد افزود.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران بیش از پیش آماده ایفای نقش خود در مارش جنبش سوسیالیستی و کارگری برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و برای یک حاکمیت شورایی میباشد. ما در خارج کشور دست یاری به سوی همه نیروهای چپ و کمونیست، نهادهای همبستگی و مدافع حقوق کارگران و زحمتکشان، مدافعین آزادیهای فردی و اجتماعی، فعالین حقوق ملیتهای ساکن کشور، فعالین حقوق پناهندگی و مخالف اعدام و شکنجه برای گسترش مبارزات در خارج کشور، بازتاب مبارزات جنبش انقلابی مردم و جلب

در خاورمیانه که چند دهه است نیروها و دولت های ارتجاعی اسلامی و یا قدرت های امپریالیستی فجایع انسانی وسیع و وحشتناکی را رقم زده اند و در رقابت با یکدیگر و در جهت حفظ منافع کاپیتالیستی خود کارگران و مردم را دچار فقر بیشتر، آوارگی، بیکاری، جنگ و... نموده اند با موجی از خشم و انزجار توده ها روبرو هستند. ما به سهم خود و با توجه به پتانسیل موجود و واقعی در چنین شرایط و موقعیتی ضروری می دانیم تا یک بلوک چپ انقلابی ایجاد کنیم که مدافع منافع و صدای کارگران و مردم در منطقه باشد تا در دراز مدت چشم انداز ایجاد یک آلترناتیو سوسیالیستی را نیز ایجاد کند.

همه ما کمونیست ها و فعالین کارگری در خارج کشور ضمن فعالیت و سازمانیابی برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورایی سوسیالیستی، در محل های زیست و کار درگیر مبارزه ضد سرمایه داری با دولت ها و مناسبات حاکم نیز هستیم و لذا در این دوره که بحران کاپیتالیستی افزایش یافته و اعتصابات و اعتراضات نیز رو به افزایش است، باید تلاش کنیم که مبارزات کارگری و مردمی هر چه بیشتر از فرمیسم نهادینه شده در سندیکاها و اتحادیه ها فاصله بگیرد و هدف گسست از فرمیسم را در یک برنامه دراز مدت در دستور کار قرار بدهیم. اتحادیه ها و سندیکاهای زرد و سازشکار جوابگوی مبارزات و اعتصابات رو به گسترش و رادیکال کارگران و مردم نیستند و بدیل های ممکن برای آنها می توانند ایجاد گردند. واضح است که این استراتژی، پروسه ای طولانی دارد اما به هر شکل ما می توانیم بخشی از این راه حل انقلابی باشیم.

در خارج از کشور ما کماکان شاهد تداوم امواج پناهجویان ایرانی که اکثریت آنها از سیاستهای سرکوبگرانه و فلاکت گستر جمهوری اسلامی بجان آمده اند خواهیم بود. بسیاری از این پناهجویان گریخته از جهنم جمهوری اسلامی، همچنانکه در سالهای اخیر با حضور خود در مبارزات ضد رژیم در خارج کشور نشان دادند در صف اعتراض عمومی علیه رژیم و در همبستگی با مبارزات مردم ایران در صف اپوزیسیون رژیم قرار میگیرند. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران تلاش میکند در همکاری با سایر نیروهای چپ و آزادیخواه فرصتهای لازم برای همبستگی و دخالت پناهندگان ایرانی در دفاع از مبارزات مردم ایران را فراهم آورد و آنان را برای مبارزه علیه جمهوری اسلامی بسیج کند. چنین امری نیازمند بازنگری در سبک کار و پیشبرد شیوه هایی است که شرایط لازم برای جلب و جذب این توده عظیم را فراهم نماید. و به آنان کمک نماید

جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود!

زیر نظر هئیت تحریریه

سر دبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق
پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس
خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

- * جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً
برای این نشریه ارسال شده باشد را
چاپ می‌کند.
- * استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر
ماخذ آزاد است.
- * مسئولیت مطالب با امضا "جهان
امروز" تحریریه نشریه است.
- * جهان امروز در ویرایش و کوتاه
کردن مطالب رسیده آزاد است. این
امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده
می‌رسد.
- * مطالب جهان امروز با برنامه "ورد
فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر
سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با
سایز ۱۲ است.

تماس با
کمیته تشکیلات داخلی کشور
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

009647710286193
0046760854015
004799895674
00436601195907

تماس با کمیته تشکیلات
داخلی شهرها

komite.shahrha@gmail.com

کنفرانس سیزدهم

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران برگزار شد!

فرضی ارائه گردید. در این گزارش ضمن اشاره به بازسازی موفقیت آمیز تشکیلات پس از کنفرانس ۱۲ تشکیلات خارج کشور که جناح انشعابی علیرغم تلاش های ما برای وحدت اصولی حزب، انشعاب ناخواسته ای را به ما تحمیل نمود و تمامی امکانات و ابزارهای تشکیلاتی را تصاحب کرد، به تلاشهای کمیته تشکیلات خارج و کلیه اعضای حزب در راستای ضرورت تحکیم حزبیت، گسترش کمی و کیفی تشکیلات خارج کشور، تقویت بنیه مالی تشکیلات، جلب و جذب اعضای و آموزش و انتقال تجربه و دانش سیاسی و تشکیلاتی به کادرهای جوان حزب، ضرورت کار مشترک با سایر نیروهای چپ و کمونیست، انسجام و هر چه موثرتر نمودن فعالیتهای مبارزاتی ما در خارج کشور از جنبش کارگری و سایر جنبشهای هم سرنوشت با آن پرداخت. این گزارش پس از بحث و تصویب جهت تدقیق و سپس انتشار به کمیته تشکیلات خارج کشور منتخب کنفرانس محول شد.

در بخش پایانی دستور کار کنفرانس، بر اساس اساسنامه حزب، انتخابات کمیته تشکیلات خارج کشور برگزار شد و از میان نمایندگان حوزه‌های حزبی و کاندیداها، رفقا: آرام فتاحی، الماس فرضی، حبیب سلطانی، رژیون امینی، سمیه والی زاده، سرکوت رستم گرگی، کارو آزادی، کمال عزیزی، گوهر معمارزاده، مرضیه نظری، محمد حسین مهرزاد، مسعود عظیمی، منصور خالدی و ناصر زمانی برای کمیته خارج کشور انتخاب شدند

کنفرانس پس از دو روز کار فشرده و مؤثر، با سرود انترناسیونال و تأکید بر همبستگی جهانی طبقه کارگر، با موفقیت به کار خود پایان داد.

کمیته تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست ایران

دسامبر ۲۰۲۴

کنفرانس سیزدهم تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران در روزهای شنبه ۲۴ آذر و یکشنبه ۲۵ آذر ۱۴۰۳ برابر با ۱۴ و ۱۵ دسامبر ۲۰۲۴ به صورت مجازی با حضور اعضای تشکیلات خارج کشور حزب رفقای تشکیلات



کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) و همه رفقای پیش عضو برگزار گردید.

کنفرانس با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد رفقای حزب و همه جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم کار خود را آغاز کرد. پس از آن، آیین نامه داخلی کنفرانس به تصویب رسید و هیئت رئیسه دائم انتخاب شد. در ادامه، رفیق الماس فرضی (صمد) دبیر کمیته تشکیلات خارج کشور حزب ضمن خوش آمد گویی به شرکت کنندگان، از تلاش‌های اعضا و به‌ویژه کمیته تشکیلات در بازسازی و پیشبرد وظایف تشکیلاتی و سیاسی حزب قدردانی نمود. او با اشاره به شرایط حساس و متحول خاورمیانه و تداوم دوران انقلابی در ایران، بر اهمیت آمادگی هرچه بیشتر تشکیلات خارج کشور برای حمایت گسترده از جنبش کارگری و سوسیالیستی ایران تأکید کرد.

سپس رفیق مرضیه نظری بیانیه سیاسی کنفرانس را ارائه نمود؛ بیانیه‌ای که در جلسات تدارک کنفرانس به بحث گذاشته شده بود. این بیانیه مورد قضاوت، بحث و بررسی اعضا قرار گرفت و متن نهایی آن برای انتشار عمومی آماده خواهد شد. در بخش بعدی، گزارش تشکیلاتی کمیته تشکیلات خارج کشور توسط رفیق الماس

قدرت سیاسی در کردستان بعد از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

ناصر زمانی

ملی و طبقاتی به مبارزه‌ای بی‌امان برای آزادی و برابری مهر تاریخی خود را بر جنبش کمونیستی در ایران و کردستان زده اند. به این معنا یکی از پایه‌های جنبش سراسری و نقش محوری در سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، بازی خواهد کرد. جنبش انقلابی مردم کردستان و مناطق کردنشین، علاوه بر مبارزه برای رفع ستم ملی، همواره برای آزادی و برابری و پایان دادن به ستم طبقاتی مبارزه کرده اند. تحولات سیاسی در کردستان، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، صحنه‌ی جدال مستمر آلترناتیوها در بلوک بندیهای سیاسی میان جریان‌ات راست بورژوا ناسیونالیست و آلترناتیو و راه حل نیروهای رادیکال و سوسیالیستی بوده و این جدال نه تنها ریشه در شرایط تاریخی، سیاسی و اجتماعی منطقه دارد، بلکه محصول تضادهای طبقاتی در یک جامعه سرمایه‌داری است. این جدال می‌تواند به درک عمیق‌تری از روندهای مبارزات اجتماعی و سیاسی کردستان کمک کند و چشم‌اندازی برای تعیین مسیر آینده این مبارزات ارائه دهد که به طور عمده بر سر اهداف، استراتژی، تاکتیک و برنامه برای تغییرات آینده بعد از سرنگونی رژیم سرمایه‌داری اسلامی و به دست گرفتن قدرت سیاسی را پیش پای مردم بگذارد.

تحولات اخیر نشان می‌دهد که جامعه ایران در آستانه تغییرات مهمی قرار دارد. با توجه به این واقعیت جنبش انقلابی مردم کردستان، با تمام چالش‌ها و محدودیت‌ها، همچنان یکی از پیشروترین نمونه‌های مبارزاتی در ایران است. اما بدون سازمانیابی، همبستگی، و چشم‌انداز روشن سوسیالیستی در کردستان، این تحولات می‌توانند به فرصت‌های از دست رفته تبدیل شوند. اکنون زمان آن است که طبقه کارگر و پیشروان سوسیالیست در کردستان و مناطق کردنشین همگام با جنبش سراسری طبقه کارگر و ابتکار عمل، گام‌هایی در جهت حاکمیت مردم در قدرت سیاسی بردارند که نه تنها پاسخی به بحران‌های کنونی، بلکه راهکاری برای ساختن آینده‌ای بهتر در راستای تقویت یک آلترناتیو سوسیالیستی برای سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه‌داری ایران ضرورت سیاسی است. به این معنا وظیفه کمونیست‌های متحزب و فعالین جنبش‌های پیشرو اجتماعی مشخص در کردستان در این شرایط، سازمانیابی سراسری در ارائه برنامه و چشم‌اندازی برای آینده و مبارزه برای رفع ستم طبقاتی و ستم ملی، و همسو کردن یک مبارزه وسیع‌تر برای تغییرات بنیادی در جامعه است. آموزش سیاسی، سازمانیابی محلی و ترویج همبستگی جنبش کمونیستی در کردستان از جمله گام‌های ضروری در این راستا

هوا، به لحاظ قطع برق خانگی و واحدهای تولیدی و صنعتی، نبود گاز در شرکت‌های مختلف صنعتی یکی پس از دیگری در حال تعطیل شدن است. اعتراضات معلمان، بازنشستگان، پرستاران، زنان، دانشجویان و فعالان محیط زیست نیز به‌عنوان بخشی از طبقه کارگر در خیزش‌های توده‌ای در برابر گرانی و تورم، نقش مهمی در پتانسیل انقلابی نهفته در جامعه دارد و این تحولات بازتاب تضادهای ساختاری نظام سرمایه‌داری در ایران است و نتایج آن بر سر طبقه کارگر ایران و اقشار مزدبگیر هر روز آوار می‌شود.

اعتراضات و اعتصابات کارگری در ایران نشان دهنده تشدید تضادهای طبقاتی و آگاهی روزافزون کارگران



نسبت به منافع طبقاتی خود است. این اعتراضات از صنایع استراتژیکی مانند نفت و پتروشیمی گرفته تا بخش‌های خدماتی و آموزش گسترش یافته‌اند، تنها به مسائل معیشتی و دستمزد محدود نمی‌شوند؛ بلکه بازتاب دهنده مخالفت عمیق‌تر با ساختارهای مناسبات نظام سرمایه‌داری است. شرایط منطقه‌ای و بحران‌های اقتصادی و سیاسی چنان در هم تنیده شده، که نشان می‌دهد جامعه ایران آستانه تحولاتی در آینده است. خیزش انقلابی ۱۴۰۱ زیر پوست آسمان ایران، آتش زیر خاکستری است، که هر لحظه امکان دارد دوباره با یک جرقه شعله‌ور شود و توده‌های وسیع اقشار مردم را به کف خیابان‌های بیاورد. بر همین اساس مردم کردستان و مناطق کردنشین از این تغییر و تحولات مستثنا نیستند. اگرچه سرکوب سیستماتیک از سوی دولت‌های مرکزی، از رژیم سلطنتی پادشاهی تا رژیم جمهوری اسلامی این حکومت‌ها همواره با بهره‌گیری از ابزارهای سرکوب نظامی، امنیتی و تبلیغاتی شامل اعدام فعالان سیاسی، نابودی زیرساخت‌های اقتصادی، اعمال سیاست‌های تبعیض‌آمیز علیه مردم این منطقه سعی در خفه کردن صدای مردم کردستان داشته‌اند، اما مردم این مناطق با مبارزات تاریخی خود در برابر رژیم‌های حاکم سرمایه‌داری ایران یکی از پایه‌های قابل اتکا مبارزاتی پیشرو، تاریخ دهه‌هاست که زیر فشار دوگانه ستم

تحولات خاورمیانه پس از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ در بستر گسترده جهانی، دنیای چندقطبی و تضادهای میان قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای، پیچیدگی‌های تازه‌ای به خود گرفته است. در این مقطع زمانی، منافع استراتژیک قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری جهانی و منطقه‌ای به ویژه در بحران خاورمیانه با سرنگونی دولت اسد، موقعیت ژئوپولیتیک این قدرت‌ها، بار دیگر بحران‌های سیاسی و نظامی را در منطقه شعله‌ور کرد و چشم‌انداز سیاسی، تقسیم قدرت میان بازیگران بزرگ جهانی و منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار داد. به عبارت دیگر جنگ‌های اخیر در خاورمیانه به طور عمده به دلیل نیازها و بحران‌های ملی و بین‌المللی سرمایه‌داری هستند که منجر به رقابت‌های شدید بین بلوک‌های اقتصادی و سیاسی در منطقه شده است. این درگیری‌ها تنها به عنوان درگیری‌های محلی به شمار نمی‌آیند، بلکه بخشی از رقابت‌های بزرگ‌تر میان قدرت‌های جهانی هستند که هر کدام برای تثبیت نفوذ خود در منطقه اقدام به حمایت از دولت‌ها و گروه‌های مختلف می‌کنند. پیچیدگی‌های سیاسی و اقتصادی ساختار نظام سرمایه‌داری زمینه‌ساز این جنگ‌ها هستند که نشان می‌دهد عوامل بسیاری در پس آن‌ها نقش دارند. تبعات این جنگ‌ها نه تنها بر کشورهای منطقه بلکه می‌تواند به سطح جهانی نیز کشیده شود و ثبات منطقه و جهان را به خطر بیندازد. بنابراین درک درست از این جنگ‌ها نیازمند تحلیل عوامل اقتصادی و سیاسی زمینه‌ساز آنها است. اگر از یک سو این موقعیت توسط دولت‌های سرمایه‌داری و امپریالیستی دنبال و کنترل می‌شود، از سوی دیگر در فرآیند بحران‌های ساختاری نظام سرمایه‌داری به مبارزات توده‌های وسیع طبقه کارگر، اقشار مزدبگیر و نیروهای مترقی دامن خواهد زد.

شکست عمق استراتژی رژیم جمهوری اسلامی در منطقه و نیروهای نیابتی آن از جمله حزب الله لبنان، حماس، حشد الشعبی و حوثی‌ها، همچنین سقوط رژیم بشار اسد در سوریه، در متن این کشمکش‌ها رژیم ایران را وارد فاز تازه‌ای از تحولات ژئوپولیتیک جهانی، منطقه‌ای با تضعیف قدرت بازدارندگی روبرو کرده است. تشدید بحران‌های ساختاری نظام سرمایه‌داری رژیم در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی، افزایش آمار اعتراضات و اعتصابات طبقه کارگر و اقشار مزدبگیر جامعه، تعمیق هر روزه شکاف‌های طبقاتی به گسترش اعتراضات و اعتصابات در صنایع کلیدی مانند نفت و گاز و برق، به دلیل عدم سرمایه‌گذاری و همچنین عدم امکان جذب فن‌آوری‌های جدید دچار رکود شده است. این شرایط با آلودگی



هستند که ناشی از شرایط عینی جامعه، مانند محرومیت اقتصادی و نابرابری‌های طبقاتی، و وجود پتانسیل و ظرفیت مبارزاتی جنبش کمونیستی در کردستان و مناطق کردنشین است.

با توجه به شرایطی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و همچنین تضعیف قدرت بازدارندگی رژیم جمهوری اسلامی که در بالا مختصر به آنها اشاره شد، جدا از اینکه فروپاشی و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی دیر یا زود چقدر محتمل است، اما یک اصل اساسی را پیش پای همه بلوک بندی‌های سیاسی در آیند سرنگونی رژیم سرمایه داری اسلامی ایران قرار خواهد داد، آنهم به دست گرفتن قدرت سیاسی است که کردستان و مناطق کردنشین از این تغییر تحولات مستثنا نخواهد بود. شرایط فعلی می‌تواند فرصتی برای هر کدام از بلوک بندی‌های سیاسی باشد تا نقشی کلیدی در آینده به دست گرفتن قدرت سیاسی داشته باشند. مبارزات مردم کردستان به عنوان بخشی از جنبش سراسری کارگران و مزدبگیران علیه نظام سرمایه‌داری و به دلیل ویژگی‌های خاص خود در تحزب یافتگی و نقش تاریخی مبارزات پیشرو کومه له سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، و همچنین برنامه کومه له برای حاکمیت مردم در راستای چشم انداز تقویت آلترناتیو سوسیالیستی در کردستان نقش این برنامه را نیز دوچندان خواهد کرد. سوال اینست اساسن چرا ما بر این برنامه در بعد از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تأکید میکنیم و این برنامه را پیش پای جمعیت میلیونی مردم کردستان و مناطق کردنشین قرار خواهیم داد؟

در دوره گذار پس از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی در کردستان و مناطق کردنشین می‌تواند چالش‌ها و فرصت‌های متعددی را به همراه داشته باشد. این دوره به شدت تحت تأثیر عواملی مانند وضعیت اجتماعی، اقتصادی، و میزان آمادگی توده‌های وسیع مردم در شرایط انقلابی که بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به اوج خود می‌رسند را با چالش‌های متعددی روبرو کند. یکی از ارکان حیاتی برای پیشبرد امر مبارزه برای به دست گرفتن قدرت سیاسی در بلوک بندی‌ها سیاسی، نوع نظام جایگزین است که به یک فرصت تبدیل خواهد شد. در این میان احزاب بورژوا-ناسیونالیست، به‌رغم ادعاهای دموکراسی‌خواهانه و با شعار فدرالیسم و پارلمانتاریسم نمی‌توانند نماینده منافع کارگران و زحمتکشان باشند. آنها همواره در تلاش‌اند تا مانع از رشد قدرت نهادهای مردمی مانند شوراهای شوند که می‌توانند ساختارهای قدرت طبقاتی و مردمی در تصمیمات سیاسی اجتماعی را به چالش بکشند. احزاب بورژوا ناسیونالیست از خشم و نارضایتی توده‌ها استفاده می‌کنند تا جنبش‌های انقلابی و مردمی را به مسیری که با منافع طبقاتی خودشان سازگار است، هدایت کنند. به این معنا مدیریت جامعه از

نظر سیاسی و اقتصادی بر اساس پارلمانتاریستی که توسط این احزاب تبلیغ می‌شود، در حقیقت تلاشی برای حفظ وضعیت موجود نظام سرمایه داری در کردستان و محدود کردن مشارکت مردم به سطحی نمادین و فرمال است. در این ساختار، تصمیم‌گیری‌ها در نهایت در دست نمایندگان قرار می‌گیرد که از زاویه حفظ منافع طبقه سرمایه دار کردستان به تمام خواست و مطالبات مردم جامعه جواب می‌دهند. بر همین اساس مبارزه با این احزاب و افشای ماهیت طبقاتی آن‌ها بخش مهمی از تلاش برای ایجاد تغییرات واقعی و به قدرت رسیدن کارگران و توده‌ها تحت ستم در جامعه است.

تجربه تاریخی جنبش انقلابی مردم کردستان در تشکیل بنک‌های مردمی و نقش کومه له در این فرآیند، به‌ویژه پس از قیام ۱۳۵۷، نشان‌دهنده اهمیت سازمانیابی و همبستگی در میان توده‌های ستم‌دیده است. تشکیل جمعیت "دفاع از آزادی و انقلاب" و فعالیت‌های مردمی در سنندج، به‌عنوان نقاط عطفی در تاریخ این جنبش، به‌خوبی نمایانگر تلاش برای دفاع از منافع جامعه و ایجاد قدرت سیاسی در دست مردم است. این تجربیات، با وجود چالش‌ها، به‌عنوان الگوهایی برای سازمانیابی و مدیریت امور محله‌ها و جامعه به شمار می‌روند. در این راستا، بنک‌ها به‌عنوان نهادهای محلی، نقش مهمی در اداره امور روزمره و تأمین امنیت جامعه ایفا کردند. این نهادها با حمایت کامل مردم و بدون توجه به تعلقات سیاسی یا مذهبی، به‌طور مؤثری در سازمانیابی و مدیریت محله‌ها فعالیت کردند. رهبری این بنک‌ها توسط فعالین کمونیست و رادیکال، که از اعتبار و قدرت متشکل کردن نیروهای مردمی برخوردار بودند، به تقویت این نهادها و افزایش مشارکت مردم در امور اجتماعی کمک کرد. در همان دوره نیز عملکرد احزاب بورژوا-ناسیونالیست و مذهبی در کردستان، در تضاد با خواسته‌های توده‌های زحمتکش قرار داشت و به‌عنوان مانعی در برابر مبارزات مردم شناخته می‌شد. کومه له با افشای این سیاست‌ها و تأکید بر ضرورت سازمانیابی توده‌های وسیع مردم، نقش ارزنده‌ای در تاریخ جنبش انقلابی کردستان ایفا کرده است. این تجربیات نشان می‌دهد که سازمانیابی و همبستگی در میان مردم، نه تنها یک ضرورت مبارزاتی، بلکه بخشی از سنت‌های انقلابی در این جامعه است.

اگر بر این باور باشیم بدون وجود رهبری آگاه و برنامه‌ای که بتواند پتانسیل مبارزات انقلابی را در امر سازمانیابی در مسیر درست هدایت کند، حرکت‌های خودجوش ممکن است توسط احزاب بورژوا ناسیونالیست در کردستان مهار و به انحراف کشیده شوند. بر همین مبنای برنامه کومه له برای حاکمیت مردم در کردستان می‌خواهد به این چالش سیاسی در دوره گذار پاسخگویی این شرایط باشد. برنامه کومه له برای حاکمیت مردم در کردستان و تجارب تاریخی که در

بالا اشاره شد، هم زمان بر این امر تأکید می‌کند، هر نوع تحولی در دل مبارزات مردمی در جامعه کردستان برای تحقق سوسیالیسم تابعی از مبارزات طبقه کارگری در سطح سراسری ایران است. باید به صراحت اعلام کرد برنامه کومه له برای حاکمیت مردم در کردستان، یکی از اقدامات قابل اتکایی است که می‌تواند راه تسهیل رسیدن به مطالبات کارگران و مردم ستم‌دیده فرودست جامعه را در راستای رفع ستم ملی و تقویت آلترناتیو سوسیالیستی در کردستان که ما به ازای آن حضور چشمگیر مردم در صحنه سیاست است فراهم آورد. به بیان دیگر ایجاد و تقویت شوراهای مردمی در کردستان مستلزم مشارکت فعال توده‌های وسیع مردم است به این معنا که شوراهای مردمی باید به‌طور مداوم در برابر گرایش‌های بوروکراتیک، انحصارطلبانه، و ارتجاعی مقاوم باشند.

کومه له بر این نکته تأکید میکند که موفقیت شوراهای مردمی به ارتباط مستقیم و ارگانیک آن‌ها با جنبش‌های پیشرو اجتماعی بستگی دارد. از این زاویه این برنامه نه تنها بر اهمیت تقویت ساختارهای دموکراتیک، شوراهای محلات و شهرها در کوتاه مدت پس از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، نقشی کلیدی در سازمانیابی قدرت مردم و جلوگیری از فروپاشی اجتماعی تأکید دارد بلکه به عنوان آغازگر ساختارهای شورایی به طور دموکراتیک بر مشارکت مستقیم نیروهای مردمی در امر تصمیم‌گیری‌ها در برابر استراتژی حاکمیت احزاب قد علم کرده و مانع جدی در برابر هر تصمیم و بند و بست سیاسی احزاب بورژوا ناسیونالیست از بالا بر سر جمعیت میلیونی کردستان است. در نهایت، حاکمیت مردم در قدرت سیاسی تنها زمانی امکان پذیر است که با اتکاء به برنامه کومه له برای حاکمیت مردم نه به عنوان ابزارهای فرمال، بلکه به‌عنوان نهادهای و ارگان‌های تصمیم‌گیری دموکراتیک و هم به عنوان ابزارهای دفاع از انقلاب در شوراهای مردمی عمل کنند، و به‌طور مداوم از پایین مورد کنترل و نظارت قرار گیرند. و همین امر مستلزم حضور فعالین کارگری و اقشار فرودست جامعه به عنوان نماینده در شوراهای مردمی است، که از زاویه دفاع از منافع طبقه کارگر به مشکلات و چالش‌های جامعه جواب خواهند داد. برنامه کومه له با تأکید بر شوراهای مردمی، چشم‌اندازی برای کردستان ارائه می‌دهد که در آن قدرت از پایین به بالا اعمال می‌شود و مردم به‌طور مستقیم سرنوشت خود را تعیین می‌کنند. بر این اساس، برنامه کومه له برای حاکمیت مردم در کردستان در واقع جواب به این نیاز سیاسی اجتماعی در دوره گذار است که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر و تحولات آینده کردستان بعد از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی داشته باشد.



اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له در مورد تشدید احضار و دستگیری ها در کردستان

تلاش های مذبوحانه رژیم را با شکست مواجه کنیم!

بیشتر در داخل جبران کند و با براه انداختن موج جدیدی از دستگیریها و احکام زندان، فضای ارباب را بر جامعه حاکم گرداند. اما تاریخ چهل و پنج سال حاکمیت ننگین و سرکوبگرانه رژیم اسلامی گواه این واقعیت است که مردم مبارز نه تنها مرعوب اقدامات سرکوبگرانه رژیم نشده اند بلکه روز به روز حضور اعتراضی قدرتمندتری را در مبارزات جاری به نمایش گذاشته اند و برای از بین رفتن این رژیم لحظه شماری می کنند.

کارگران، زحمتکشان، مردم مبارز کردستان! کومه له ضمن محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه رژیم اسلامی و موج گسترده بازداشتها، از تمامی مردم ستمدیده و مبارز کردستان میخواهد مانند گذشته به حمایت از زندانیان سیاسی برخیزند و در کنار و همراه با خانواده های زندانیان سیاسی و تمامی بازداشت شدگان اخیر خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی باشند؛ در حمایت از زندانیان و خانواده هایشان از هر طریق ممکن از جمله تحصن، اعتراض، ایجاد کمیته های دفاع از زندانیان سیاسی در همگامی و همراهی با خانواده های زندانیان و بازداشت شده گان، مشارکت داشته باشند.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

نابود باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

کومه له - سازمان کردستان

حزب کمونیست ایران

۱۸ دیماه ۱۴۰۳

۷ ژانویه ۲۰۲۵



است. شکستهای پی در پی نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در لبنان، غزه و سوریه بیش از هر زمانی رویکرد سازش و نرمش قهرمانه در عرصه سیاست خارجی را به حکومت اسلامی تحمیل کرده است. مهمتر از آن بحرانهای ساختاری عمیقی در عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... گریبان رژیم را گرفته و حکومت اسلامی راهکاری هم برای برون رفت از این بحرانها ندارد. در چنین شرایطی موج جدید احضار و دستگیری فعالین سیاسی و اجتماعی بویژه در کردستان نشانه ترس و وحشت رژیم از گسترش اعتصاب و اعتراضات کارگران و دیگر اقشار



جامعه و بروز قیام انقلابی است که کلیت حکومت اسلامی را در هم پیچد.

اکنون دیگر بر کسی پوشیده نیست که یکی از اهداف اصلی رژیم جمهوری اسلامی از تشدید بازداشتها، ایجاد فضای رعب و وحشت بیشتر و از این طریق مقابله با خیزشهای اجتماعی است. رژیم اسلامی می داند که اکثریت عظیم کارگران و زحمتکشان و توده های ستمدیده مردم ایران و کردستان این رژیم را نمی خواهند و جمهوری اسلامی را رفتنی میدانند. جمهوری اسلامی قصد دارد شکستهای سنگین یکسال اخیر خود در منطقه را با اعمال سرکوبگری

مردم مبارز کردستان!

بر پایه گزارشهای منتشره طی یک ماه گذشته با استناد به آمار ثبت شده حداقل ۱۲۳ تن از شهروندان ایران که هویت و مشخصات آنها احراز شده است، توسط نیروهای امنیتی و انتظامی رژیم اسلامی بازداشت شده اند. این آمار شامل تعداد دیگری نمی باشد که بازداشت آنها رسانه ای نشده است. در این بازه زمانی علاوه بر دستگیر شده گان صدها و بلکه هزاران تن دیگر از فعالین جنبش های مختلف اجتماعی توسط نهادهای امنیتی حکومت اسلامی احضار و مورد بازجویی قرار گرفته اند.

از میان ۱۲۳ تن از بازداشت شدگان ۸۸ مورد مربوط به شهرها و دیگر مناطق کردستان می باشند. قابل ذکر است که اغلب دستگیریها توأم با خشونت و اذیت و آزار دستگیر شدگان و خانواده ها و نزدیکانشان بوده است و اکثر دستگیر شدگان در جریان بازجویی، از سوی نیروهای امنیتی رژیم مورد شکنجه و اذیت و آزار قرار گرفته اند و دستگاه قضایی رژیم نیز احکام سنگین زندان و جریمه و شلاق برای آنان صادر کرده است. پرونده سازی و ایجاد مزاحمت برای مردم از سوی نهادهای امنیتی و قضایی رژیم به جایی رسیده که طی روزهای گذشته در پیرانشهر برای ۵۸ تن از شرکت کنندگان در یک مراسم عروسی به جرم رقص و پایکوبی پرونده قضائی تشکیل داده و آنان را به دادگاه فراخوانده اند. در حال حاضر ۵۴ تن از زندانیان سیاسی زیر حکم شنیع و ضدانسانی اعدام قرار دارند.

رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی اقدام به تشدید سرکوبگری و بازداشت گسترده مردم و فعالین جنبشهای اجتماعی کرده است که استراتژی "جنگ بازدارنده" و دخالتگرانه اش در منطقه و محور مقاومتش با شکست و از هم پاشیدگی روبرو شده



کمک مالی به
حزب کمونیست
ایران و کومه له

اعضا، هواداران و دوستان حزب کمونیست ایران و کومه له! مردم آزاده و مبارز!

ما برای ادامه کاری فعالیت هایمان به کمک مالی شما نیازمندیم! تلویزیون کومه له و حزب کمونیست ایران با پشتیبانی و کمک مالی شما قادر خواهد بود با کیفیت بهتر و در شبکه های قابل دسترس تر، فعالیت هایش را در راستای اهداف سوسیالیستی برای تحقق زندگی ای شایسته انسان پیش ببرد! ما را در این راه یاری رسانید و به هر طریق و شکلی که برایتان مقدور است کمک های مالی خود را به تشکیلات های ما در محللی که هستید برسانید.

سایت تلویزیون کومه له

www.tvkomala.com



سایت کومه له

www.komalah.org



سایت حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org



از سایت های حزب

کمونیست ایران

و کومه له

دیدن کنید!

بن بست رژیم جمهوری اسلامی و وظایف فعالین کومه له در کردستان

که با تکیه کردن بر استراتژی سرکوب نمی توان حکومت اسلامی را از "خطر" سرنگونی نجات داد.

زیر فشار این بحران ها و بن بست که رژیم جمهوری اسلامی در آن گرفتار آمده است، بسیار محتمل است که سران رژیم و کادر رهبری سپاه پاسداران خود را برای سازشی بزرگ و بسیار "قهرمانانه" بر سر برنامه هسته ای آماده کنند. سازش در توازن قوایی که رژیم اهرم فشار" محور مقاومت" را از دست داده، عدم قدرت بازدارندگی اش در برابر حملات اسرائیل آشکار شده و در داخل ایران هم با تنگنایهای زیادی روبرو شده است. گزینه دیگر ماجراجویی هسته ای و تولید سلاح اتمی است که احتمال آن بویژه با توجه به جایگاهی که سپاه پاسداران در اقتصاد سرمایه داری ایران پیدا کرده است ضعیف به نظر می رسد. با حاد شدن بحران ها احتمال کودتای نظامی سپاه پاسداران را هم نباید از نظر دور داشت، هر چند هم اکنون نیز سپاه پاسداران همه اهرمهای اصلی قدرت مانند نیروهای نظامی و امنیتی و اطلاعاتی، مجلس، صدا و سیما و اقتصاد را در دست دارد و کودتا فقط می تواند به معنای اعلام رسمی یک حکومت نظامی باشد.

در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی با بن بست و این تنگناها مواجه شده است، نه فقط تجربه خیزش های دی ماه ۹۶، آبان ۹۸ و خیزش انقلابی ۱۴۰۱، بلکه تجربه تمام انقلاب ها در قرن بیستم و خیزش های انقلابی در قرن بیست و یکم نشان داده اند، در شرایط امروز ایران اعتصابات سراسری کارگران در مراکز کلیدی تولید و خدمات با تلفیق خواسته های اقتصادی و سیاسی که به ستون فقرات اعتصاب عمومی سیاسی تبدیل شده باشد، محتمل ترین سیر پیشروی مبارزه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است. فعالین سوسیالیست جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی در سطح سراسری لازم است در همین راستا امر سازمانیابی این جنبش ها و شکل دادن به رهبری سراسری را در اولویت فعالیت های خود قرار دهند. همین اوضاع سیاسی و موقعیت حکومت اسلامی، وظایف و آمادگی ویژه ای از فعالین کومه له در کردستان می طلبد.

فعالین کومه له در بطور عینی در یک شبکه گسترده به پهنای شهرها و روستاهای کردستان به هم مرتبط هستند. این طیف از فعالین کومه له در جریان فعالیت های سیاسی و اجتماعی، در جریان سازماندهی اعتصابات عمومی در کردستان، کمک به سازماندهی ارسال کمک به زلزله زدگان و سیل زدگان و ... سازماندهی آکسیون ها و گل گشت ها به مناسبت روز جهانی زن و روز جهانی کارگر، در جریان خیزش های توده ای و ... همدیگر را شناخته اند و به هم مرتبط شده اند. در جریان این فعالیت ها پل های اعتماد را ساخته اند. در شرایط کنونی فعال کردن این ارتباطات، انسجام

از ارکان حاکمیت رژیم دیکتاتوری سرمایه را در هم کوبیدند، اکنون با شجاعت همه عرصه های حیات اجتماعی را به میدان مبارزه علیه قوانین زن ستیز اسلامی تبدیل کرده اند. از ترس خشم و اعتراض زنان آزادیخواه و برابری طلب، قانون ارتجاعی حجاب و عفاف که از هفت خان جمهوری اسلامی عبور کرده بود، به بایگانی سپرده شد. زنان آزاده ایران در مبارزه ای سنگین به سنگر یک پیروزی تاریخی دیگر را رقم زدند. در نتیجه مبارزه شجاعانه زنان دیوار حجاب اجباری فروپاشیده است.

دستگاه ایدئولوژیک و روحانیت جمهوری اسلامی از خامنه ای گرفته تا حوزه های علمیه و قافله امامان جمعه،



قدرت مشروعیت بخشی به این همه شکست و حقارتی که به حکومت اسلامی تحمیل شده و به این همه فقر و فلاکت اقتصادی و محرومیت های سیاسی و اجتماعی که کارگران و زحمتکشان و اکثریت مردم ایران در آن گرفتار آمده اند را ندارند. حربه تشدید سرکوب کارانی گذشته خود را از دست داده و نتوانسته جامعه را مرعوب کند. هر چه بن بست ها، شکست ها و ناکامی های حکومت اسلامی سرمایه داران آشکارتر بروز پیدا می کنند، کابوس انقلاب و فوران خشم و اعتراض توده ها سران رژیم را بیشتر در هراس و وحشت فرو می برد و کشمکش و نزاع و بحران درون باندهای حکومتی تشدید می شود. امروز حتی در حلقه جناح محافظه کار و اصول گرایان رژیم، دوران خامنه ای را با فساد سیستماتیک تعریف می کنند و برای بقای نظام اسلامی از ضرورت عبور از عصر خامنه ای سخن می گویند.

در حالی که حکومت اسلامی به بن بست رسیده است، همه جناح های آن رمز بقای نظام اسلامی را تکیه بر استراتژی سرکوب می دانند. افزایش ۲۰۰ درصدی بودجه نیروهای نظامی و ارگانهای سرکوب تحت عنوان افزایش بودجه دفاعی کشور، اختصاص صدها میلیارد تومان به طرح فوق ارتجاعی و زن ستیزانه برپایی کلینیک ها مقابل با بدحجابی، افزایش موج اعدام ها به ویژه اعدام زندانیان سیاسی و تداوم بگیر و ببند فعالین جنبش های اجتماعی به روشنی جایگاه سرکوب در استراتژی بقای رژیم جمهوری اسلامی را نشان می دهند. اما تجربه تمام حکومت های دیکتاتوری و تجربه سقوط دیکتاتوری بشار اسد در سوریه هم بار دیگر نشان داد

پایه های حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی در برابر چشمان مردم یکی بعد از دیگری فرو می ریزند. بعد از ضربات سنگین و شکست مفتضحانه ای که حزب الله در لبنان متحمل شد و عدم توان بازدارندگی سیستم دفاع موشکی سپاه پاسداران در برابر حملات ارتش اسرائیل، سقوط رژیم دیکتاتوری بشار اسد، آخرین میخ را به تابوت راهبرد "جنگ بازدارنده" و نیروهای "محور مقاومت" کوبید. در پی این شکست ها، نیروهای حشد شعبی و دیگر گروه های اسلامی وابسته به رژیم اسلامی در عراق هم زمینگیر شده اند و حوثی ها در یمن هم در موقعیتی قرار گرفته اند که ناچارند استراتژی بقای خود را بازنگری کنند.

با این روندها یکی از ارکان استراتژی بقای جمهوری اسلامی فرو ریخت. رژیم جمهوری اسلامی با تکیه بر راهبرد جنگ بازدارنده و با تکیه بر نیروهای "محور مقاومت" می خواست به یک قدرت برتر منطقه ای تبدیل گردد و از این مسیر توجه قدرتهای منطقه ای و جهانی را به اهمیت سرمایه گذاری در ایران جلب کرده و موجبات رشد و توسعه اقتصادی سرمایه داری ایران را فراهم آورد. خامنه ای و قاسم سلیمانی بارها گفته بودند که برای آنکه امنیت در خرمشهر و تهران را تأمین کنیم باید در لبنان و سوریه بجنگیم. حال معماران این دکترین هم در لبنان و هم در سوریه شکست خورده اند و با این حساب جنگ به خاکریزهای رژیم جمهوری اسلامی در داخل ایران رسیده است.

رژیم جمهوری اسلامی که در چند سال اخیر با چشم پوشی دولت آمریکا توانسته بود با افزایش تولید نفت و ارزان فروش کردن آن و بند و بست های پشت پرده با دولت های غربی برای انتقال دلارهای نفتی و دستبرد به صندوق های بازنشستگی، دولت را از ورشکستگی مالی نجات دهد. اکنون با روی کار آمدن ترامپ در آمریکا و چشم انداز تشدید تحریم ها، با مشکلات بیشتری مواجه شده است. آن هم در شرایطی که تعمیق بحران اقتصادی و پیامد تحریمها، خود را در بحران انرژی و کمبود برق و سقوط بیش از پیش ارزش پول ملی و تورم و گرانی و درماندگی رژیم در تأمین نان و آب، برق و هوای سالم برای تنفس بروز داده است. جمهوری اسلامی به دلیل ابعاد این بحران اقتصادی و ماهیت طبقاتی سیاست ها و اولویت هایی که دارد، قادر به پاسخگویی به مطالبات عاجل طبقه کارگر، بازنشستگان و پرستاران و فرودستان جامعه نیست. همین واقعیت گسترش اعتراضات کارگری و توده ای و اعتلای این مبارزات را در چشم انداز نزدیک قرار داده است.

زنان ایران در ادامه پیش تازی و نقش آفرینی خود در جنبش انقلابی ژینا که ایدئولوژی اسلامی به مثابه یکی

فروپاشی نیروهای مسلح رژیم اسلامی در کردستان، خلع سلاح پایگاههای نظامی دشمن را در دستور کار قرار دهند. با توجه به وجود سنت مبارزه مسلحانه در کردستان، و با توجه به وجود هزاران کادر آزموده که آموزش و مبارزه مسلحانه را تجربه کرده اند، می توان با آغاز از هم گسیختگی نیروهای رژیم در کردستان دست به کار بسیج مردم برای خلع سلاح پایگاههای نظامی شد. لازم است کارگران و زحمتکشان و توده های ستمدیده مردم کردستان در ابعاد توده ای مسلح شوند و با نیروی مسلح خود از حاکمیت و دستاوردهای خود حفاظت کنند. هرچه به دوره اعتلای سیاسی و انقلابی نزدیک تر شویم، تلاش جریان ها و گروه های ارتجاعی برای ایجاد تفرقه ملی و مذهبی فشرده تر می شود. باید با هوشیاری این تفرقه افکنی ها را خنثی کرد.

در حالی که احزاب و نیروهای ناسیونالیست برای "براندازی" رژیم جمهوری اسلامی به فشارهای حداکثری دولت ترامپ امید بسته اند و برای تصرف قدرت از بالای سر توده های مردم کردستان نقشه پردازی می کنند، فعالین کومه له لازم است که مردم کردستان را از زیر نفوذ این سیاست های ارتجاعی بیرون بکشند، و باور به نیروی خود و نیروی همبستگی با جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی در سراسر ایران برای سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی را هر چه بیشتر قوت ببخشند.



و انجمن ها می تواند نقش تعیین کننده ای در به میدان آوردن نیروی اجتماعی جنبش رهایی زنان داشته باشد. به میدان آوردن این نیروی عظیم و کمک به سازمانیابی آن یکی از عرصه هایی است که باید روی آن تمرکز کرد. با سرعت گرفتن وزش نسیم انقلاب و با تغییر بیشتر توازن قوا به سود قیام شهری و انقلاب، لازم است بی درنگ شوراها و دیگر نهادهای حاکمیت توده ای را در محلات



شهرها، شهرک ها و روستاها برپا کرد. باید آماده باشیم که با سست شدن پایه های حاکمیت رژیم در کردستان و عقب نشینی آن، زنان و مردان متشکل در شوراها و نهادهای حاکمیت توده ای کنترل اوضاع و اداره و مدیریت جامعه را در دست بگیرند. نباید گذاشت احزاب ناسیونالیست از بالای سر توده های کارگر و زحمتکش و مردم ستمدیده کردستان حکومت را در دست خود قبضه کنند.

فعالین کومه له لازم است با پیدا شدن نشانه های آغاز

دادن به آن و گسترش آن به فعالین و چهره های خوشنام جنبش های اعتراضی و اجتماعی و دیگر فعالین چپ و سوسیالیست در کردستان یکی از اولویت های فعالین کومه له است.

فعالین کومه له در این دوره لازم است بیش از هر زمان دیگری در نقش سازماندهندگان و رهبران جنبش های اعتراضی در جامعه ظاهر شوند. تلاش برای برانگیختن جنبش علیه بیکاری، برانگیختن اعتراضات توده ای علیه گرانی و نبود خدمات اجتماعی در شهرها و کمک به سازمانیابی این جنبش ها لازم است در صدر اولویت ها قرار گیرند. آژیتاتورها و مبلغینی که بر متن فعالیت های تاکتونی پرورده شده اند، می توانند نقش برجسته ای در برانگیختن و بسیج توده های معترض داشته باشند. کمک به سازمانیابی کارگران ساختمانی و پروژه ای و کارگران شاغل در شهرک های صنعتی از اهمیت عاجل برخوردار است. لازم است سنگ بنای این شکل ها را گذاشت تا با بهبود بیشتر موازنه قوا به سرعت توده ای شوند.

معلمان مبارز کردستان و بازنشستگان در پیوند با معلمان و بازنشستگان در سراسر ایران در جریان اعتصابات و اعتراضات سراسری سالهای اخیر تا حدودی صفوف خود را سازمان داده اند. این تلاش ها را باید ارج گذاشت. لازم است کمک کرد که این سازمانیابی به همه مدارس و شهرهای کردستان گسترش یابد. لازم است با بهره گرفتن از تجربه معلمان مبارز به ایجاد کانون های دانش آموزی در مدارس کمک کرد. سازمانیابی زنان کارگر و زحمتکش در محلات حاشیه شهرها در شوراها

کارگران، زحمتکشان، انسانهای آزادیخواه و برابری طلب!

حول بدیل سوسیالیستی شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی متحد شوید!

محل کار و زیست تا سطوح شهری و منطقه ای و سراسری به جای حاکمیت جمهوری اسلامی با تضمین حق رای عمومی، همگانی، آزاد، مخفی و برابر همه شهروندان با به کارگیری همه اشکال مشارکت مستقیم توده ای. حق هر فرد بالاتر از ۱۶ سال برای کاندید شدن و احراز هر مقام انتخابی. حق عزل نمایندگان توسط انتخاب کنندگان، در تمام سطوح، هر زمان که اکثریت آن ها اراده کنند.

۲- دستگیری، محاکمه و مجازات سران جمهوری اسلامی در دادگاه های علنی.

۳- آزادی کلیه زندانیان سیاسی. لغو "جرم" سیاسی و برچیدن زندان سیاسی. لغو مجازات اعدام. لغو شکنجه.

۴- جدایی کامل دین از دولت و آموزش و پرورش. آزادی مذهب و بی مذهبی. لغو تمامی قوانین مذهبی، برچیدن و انحلال بنیادها و موسسات مذهبی حکومتی.



انقلابی برای دفاع از آزادی، برای سرکوب مقاومت ضد انقلاب جمهوری اسلامی و مقابله با تعرض هر نیروی به آزادی ها و حقوق مردم، سرنگونی جمهوری اسلامی و اعلام و با اجرای اقدامات بنیادی زیر به عنوان معنای سرنگونی جمهوری اسلامی، پیشروی انقلاب کارگران و زحمتکشان را تضمین می کند:

۱- برقراری حاکمیت کارگران و زحمتکشان از طریق ارگان های اعمال اراده مستقیم مردم. گسترش شوراها در

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست بر این باور است که پیشروی و سازمانیابی شورایی طبقه کارگر و سازمان های مستقل کارگری در جریان اعتصابات و اعتراضات رو به گسترش جاری و اتحاد آن با جنبش های اجتماعی و اعتراضی پیشرو با چشم انداز و استراتژی سوسیالیستی است که می تواند سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و مناسبات طبقاتی حاکم را تضمین کند و افق رهایی از کلیه مصائب نظام سرمایه داری را به روی جامعه بگشاید.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست بر این باور است که دولت برآمده از انقلاب، باید دولتی شورائی کارگری باشد. این دولت با انحلال ارتش، سپاه پاسداران، نیروهای انتظامی و کلیه ارگان های سرکوب و بوروکراتیک حاکم و نهادهای تبلیغاتی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی و الغای قانون اساسی و سایر قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی، با مسلح کردن کارگران و مردم



مصادره اموال و دارائی‌های این موسسات تولید جهل و خرافه و کلیه موقوفات و تخصیص آن به نیازهای فوری مردم.

۵- برقراری کنترل کارگری بر تولید و توزیع.

۶- تضمین تامین معیشت و رفاه همه شهروندان متناسب با استانداردهای دنیای امروز، توسط شوراهای و نهادهای منتخب کارگران. تامین بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده به کار بالای ۱۶ سال و کلیه کسانی که به علل جسمی یا روانی توان اشتغال به کار ندارند. تضمین آموزش و بهداشت و سلامتی رایگان شهروندان.

۷- رفع کامل هرگونه تبعیض و ستم جنسیتی از طریق لغو نظام آپارتاید جنسی، لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز، اعلام و اجرای برابری کامل و بی قید و شرط بین زنان و مردان در همه شئون زندگی فردی و اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر در همه عرصه‌ها میان آنان.

۸- ممنوعیت کار حرفه‌ای برای کودکان. تامین و تضمین برخورداری همه کودکان از آموزش و بهداشت و سلامت و شادی و ایجاد شرایط مناسب برای رشد و شکوفایی آنان. جرم جنائی دانستن هر گونه تعرض و سوء استفاده جنسی از کودکان و محافظت کودکان توسط دولت.

۹- نفی هرگونه ستم و تبعیض و نابرابری در جامعه از طریق اعلام و اجرای برابری کامل حقوق همه شهروندان، صرف نظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت. نفی ستم ملی و حل مسئله ملی با به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت و حق جدائی با مراجعه به آرا خود آن‌ها. شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در عین حال خواهان اتحاد آزادانه و داوطلبانه همه ساکنین ایران است و بر این باور است که این اتحاد به سود طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش است.

۱۰- اعلام و اجرای آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب. ممنوعیت تفتیش عقاید.

۱۱- لغو اسرار بازرگانی. لغو دیپلماسی سری.

۱۲- اقدامات فوری و برنامه‌ریزی درازمدت برای حفظ محیط زیست و منابع حیاتی آب، خاک و هوای سالم.

۱۳- برقراری مالکیت اجتماعی بر بخش‌های کلیدی صنعتی، بانکی، خدماتی و تجاری در دوره گذار انقلابی.

...
شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست بر این باور است که اجرا و اِعمال مفاد فوق از جمله معنا و مضمون سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی برای سوسیالیست‌ها و طبقه کارگر و اردوی چپ جامعه محسوب می‌شود.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست کارگران و زحمتکشان، کمونیست‌ها و جریان‌های سیاسی چپ و انقلابی، تشکل‌های کارگری و توده‌ای، جنبش برابری زن و مرد و سایر فعالین سیاسی و اجتماعی را به تلاش برای پیروزی بر جمهوری اسلامی با یک پرچم سوسیالیستی فرامی‌خواند.

کارگران، زحمتکشان، انسانهای آزادیخواه و برابری طلب حول بدیل سوسیالیستی شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی متحد شوید.

نیروی این آلترناتیو وسیع است. کارگران و زحمتکشانی که از استثمار و فقر و فرودستی و سرکوب به ستوه آمده‌اند، زنانی که وسیعاً آپارتاید جنسی و تبعیضات مردسالارانه را به مصاف طلبیده‌اند، جوانانی که از بیکاری و بی‌آیندگی به جان آمده‌اند، مردمانی که علیه فجایع زیست محیطی و درماندگی رژیم جنبش وسیعی برپا کرده‌اند، آزادیخواهانی که خواهان رفع استبداد و برقراری آزادی بی قید و شرط اندیشه، بیان و تشکل هستند، تمامی آنانی که برای رفع ستم و تبعیض و کسب آزادی و برابری تلاش می‌کنند، این توده عظیم می‌توانند و باید جای خود را در اردوی آلترناتیو سوسیالیستی پیدا کنند.



زنان آزاده ایران قانون حجاب و عفاف را به شکست کشاندند!

اسلامی در مقابل اراده و مبارزات پیگیر جنبش زنان برای آزادی شکست خورده و زنان با مبارزات پیگیر خود و بهای بسیاری که برای آزادی و رهایی از حجاب اجباری پرداخته‌اند، پیروز شده‌اند.

حکومت جمهوری اسلامی سرمایه، طی چهار دهه گذشته از طریق موعظه و فریب و بکار بردن خشونت، زندان، شکنجه، تجاوز و کشتار تلاش نموده تا حجاب این نماد عقب افتادگی و تحقیر زنان را به جامعه تحمیل نماید. اما زنان مبارز با پرداخت این هزینه‌ها حاضر به تمکین در برابر سیاست آپارتاید جنسیتی حکومت اسلامی نشده و در مقابل تبعیض و نابرابری ساکت نشده‌اند. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در این مدت جنایت‌های بیشماری مرتکب شده و در مقابل، زنان آزادیخواه و برابری طلب تاریخی سرفراز و افتخارآمیز آفریدند.

ویدا موحدی و دیگر زنان مبارزی که در حرکت‌های نمادین حجاب اجباری این نماد آپارتاید جنسیتی را به چالش کشیدند، جنبش موسوم به "دختران خیابان انقلاب" را آفریدند و به خاطر آن به زندان افتادند، تحت شکنجه و آزار جنسی قرار گرفتند، اما تسلیم نشدند؛ قتل حکومتی ژنرال امینی و نیکا شاکرمی‌ها که به رمز پیشتازی زنان آزاده در جنبش سراسری "زن - زندگی آزادی"

تبدیل شدند و پایه‌های ایدئولوژیک جمهوری

و نارضایتی بسیاری از آخوندها و گروه‌ها و جریان‌های اصولگرا شده است. در این رابطه روزنامه کیهان وابسته به خامنه‌ای روز ۲۸ مرداد طی یادداشتی شدید الحنی این تصمیم را مورد اعتراض قرار داد.

واقعیت این است که علیرغم اظهارات مکرر و فتوای زن ستیزانه خامنه‌ای که گفته بود: "در مسئله پوشش، حجاب، شرعی و قانونی است و کشف حجاب هم



حرام شرعی است و هم حرام سیاسی"، و به رغم فرمان اژه‌ای جلال که "قانون باید اجرا شود، قانون برای اجرا تصویب شده و باید اجرا گردد و هیچ دستگاهی حق ندارد از آن تخطی کند"، تا کنون نه مجلس جرأت کرده قانون تصویب شده را جهت اجرا به دولت ابلاغ کند و نه دولت پزشک‌های از ترس اعتراضات عمومی حاضر شده آترا به اجرا در آورد. به این ترتیب باید گفت که جمهوری

قانون ارتجاعی و زن ستیز "حجاب و عفاف" که بیش از دو سال است میان دولت، مجلس، قوه قضائیه و شورای نگهبان در رفت و آمد است علیرغم تصویب آن در مجلس و شورای نگهبان، به دلیل استقامت و مبارزه جانانه زنان آزاده و زیر پا نهادن مفاد آن قانون در زندگی روزمره، و موج مخالفت قاطع تشکل‌ها و نهادهای کارگری و دانشجویی و نویسندگان و بسیاری از نهادهای و جریان‌های سیاسی و اجتماعی متوقف گردیده است. جزئیات این قانون تحت نام "قانون حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب" روز دهم آذر ماه به دنبال تأیید شورای نگهبان منتشر شد. پاسدار قالیباف رئیس مجلس اسلامی که قبلاً گفته بود عدم امضای رئیس جمهور نیز تأثیری در اجرای این قانون نخواهد داشت، قرار بود روز ۲۳ آذر آنرا جهت اجرا به دولت پزشک‌های ابلاغ نماید. اما روز سه شنبه گذشته ۲۷ آذر شهرام دبیری معاون پزشک‌های در امور مجلس اعلام کرد که: "پیشنهاد شده این قانون از طریق جلسه سران سه قوه یا شورای عالی امنیت ملی بررسی و متوقف شود". او خاطر نشان کرد که شرایط فعلی کشور برای اجرای این قانون فراهم نیست. این درحالی است که روز بعد از آن دو نماینده مجلس فاش ساختند که: "بر اساس تصمیم «شورای عالی امنیت ملی»، ابلاغ و اجرای قانون حجاب و عفاف فعلاً به تعویق افتاده است". به تعویق افتادن یا در اصل کنار زدن این قانون ارتجاعی موجب اعتراض



شکست استراتژی منطقه ای جمهوری اسلامی و هدیان گویی خامنه ای

اسلامی را به لرزه درآوردند؛ حرکت اعتراضی آهو دریایی ملقب به "دختر دانشگده علوم" که در اعتراض به خشونت نیروهای سرکوبگر قلب حکومت اسلامی را نشانه گرفت و ابتکار پرستو احمدی که در خرداد ۱۴۰۲ برای ادای دین به جنبش "زن، زندگی، آزادی"، قطعه ای با نام "هوای آزاد" اجرا و منتشر کرد و در روز ۲۱ آذر امسال نیز با اجرا و پخش چند آواز در یک کاروانسرا و با پوشش آزاد سران جمهوری اسلامی را کلافه کرد، هر کدام میخی بر تابوت فرتوت حکومت اسلامی و قوانین زن ستیز آن کوبیدند.

عقب نشینی جمهوری اسلامی از اجرای این قانون ارتجاعی در حالی است که رژیم به دنبال شکست مفتضحانه "استراتژی جنگ بازدارنده" و فرو پاشی نیروهای "محور مقاومت" در سطح منطقه، به شدت تضعیف شده است. این موقعیت رژیم موجب شده که جمهوری اسلامی در سطح جهانی نیز به خاطر پروژه اتمی، از سوی شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی محکوم گردد و بیم آن دارد پرونده اش به شورای امنیت ارجاع گردد و با بکارگیری مکانیزم ماشه، همه تحریمهای لغو شده نیز احیا گردد. اما خطر واقعی و جدی تر برای جمهوری اسلامی تداوم و گسترش روزانه اعتصابات کارگری و اعتراضات دیگر اقصای تهیدست جامعه است. حاکمان جمهوری اسلامی می دانند در شرایطی که به دلیل ابر بحران اقتصادی قیمت دلار از ۷۵ هزار تومان گذشته، میزان آلودگی هوا جان انسانها را در معرض خطر قرار داده، حتی از تأمین برق، سوخت و آب هم برای مردم ناتوان است، تورم و گرانی سفره کارگران و مردم فرودست جامعه را خالی کرده است، نمی توانند قوانین ضد انسانی خود را به اجرا درآورند. سران رژیم جمهوری اسلامی بشدت در هراس هستند که مبادا اجرای قانون حجاب و عفاف به مانند جرقه ای باروت خشم و اعتراض عمیق توده های کارگر و زحمتکش و فرو دست جامعه را به انفجار کشاند.

اکنون در حالی که حتی مسئولان رژیم نیز اعتراف می کنند، تعداد زنان با پوشش آزاد در شهرها بسیار بیشتر از کسانی است که حجاب را رعایت می کنند، زمان لغو قانون حجاب اجباری در کف خیابان فرا رسیده است. لازم است فعالان جنبش رهایی زن به ویژه نسل جوان زنان مبارز همراه با فعالین سوسیالیست و پیشرو جنبشهای کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی، با تداوم و تشدید مبارزات خود، با زیر پا نهادن قوانین زن ستیز جمهوری اسلامی در تمام عرصه های حیات اجتماعی رژیم جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر به سرایش سقوط سوق دهند. باید عقب نشینی رژیم اسلامی از قانون حجاب و عفاف را به سنگری برای تعرض به کلیت نظام اسلامی تبدیل کرد. لازم است لغو حجاب اجباری بر پرچم مبارزه حق طلبانه جنبش کارگری و همه جنبش های پیشرو اجتماعی حکم گردد.

دروغپردازی و رجز خوانیهای بی پشتوانه، چیزی جز تلاش برای نگهداشتن صفوف مردم و آشفته نیروهای سرکوبگرش نیست. نیروهایی که به دنبال شکستهای پی در پی نیروهای نیابتی تنها ابزار و امید خامنه ای برای بقای حکومت ورشکسته و درمانده اش هستند.

اما نگرانی واقعی خامنه ای کابوس به مراتب بزرگتری از "محور مقاومت" است. او می بیند با شکست حزب الله لبنان؛ با فروپاشی تنها حکومت هم پیمان ۴۵ ساله اش در سوریه؛ با شکست حماس و جهاد اسلامی؛ با حملات پی در پی آمریکا، انگلیس و اسرائیل به حکومت حوثیها در یمن، اینک به دولت عراق نیز تحت عنوان "اسلحه تنها باید در دست دولت باشد"، هشدار داده شده که گروههای حشد شعبی باید خلع سلاح گردند. به این ترتیب همه گروهها و تشکیلاتهای تروریست اسلامی که جمهوری اسلامی برای بقای خود ایجاد کرده بود و یا با کمکهای بی دریغ رژیم به حیات خود ادامه می دادند، از دست رفته و یا در حال از دست رفتن هستند. خامنه ای و دیگر رهبران رژیم اسلامی خوب می دانند که امید به احیا و ترمیم دوباره آنچه "محور مقاومت" می نامیدند نیست. آنچه امروز در تبلیغات و رجز خوانیها انجام می دهند، فریبکاری و تنها برای جلوگیری از بروز فوران خشم و نفرت و انزجار کارگران و توده های مردم زحمتکش در داخل ایران است.

به این ترتیب جمهوری اسلامی علاوه بر آن که صدها میلیارد دلار از ثروت و سامان جامعه و حاصل رنج و کار کارگران و مردم زحمتکش را در این راه به هدر داده؛ علاوه بر آن که دهها هزار نفر از نیروها و مزدوران پاسدار، بسیج، زینبیون، فاطمیون و حزب الله و حشد شعبی را به کشتن داده و علاوه بر آن که موجب کشتار صدها هزار نفر از مردم سوریه، لبنان، فلسطین و غیره شده است، زندگی و معیشت کارگران و مردم زحمتکش ایران را نیز تباہ کرده است؛ با ابر بحرانهای که بر اثر اتخاذ سیاستهای توسعه طلبانه و باجگیرانه منطقه ای و جهانی ایجاد کرده است، زندگی و معیشت کارگران و اکثریت بالایی از افراد جامعه را به فقر و گرسنگی کشانده است، جامعه ای با منابع طبیعی غنی و سرشار را با کسر بودجه تریلیون تومانی و معضلات نبود آب، برق، سوخت، گرانی سراسر آور و نبود خدمات اجتماعی روبرو ساخته است. بر اثر فساد نهادینه شده، دزدیها، اختلاسها، رانت خواریهای صدها هزار میلیارد تومانی، پولی برای تأمین هزینه زندگی و پرداخت دستمزدها و حقوق کارگران، بازنشستگان، معلمان، پرستاران و دیگر اقشار جامعه باقی نمانده است.

اما کارگران و دیگر اقشار تهیدست جامعه با تداوم اعتصابات و اعتراضات خود نشان داده اند که اهمیتی به بیانات خامنه ای و دیگر سران و فرماندهان سپاه نمی دهند. کارگران و فرودستان جامعه که شکست استراتژی منطقه ای رژیم جمهوری اسلامی را می بینند و می دانند که توازن قوا چه در سطح منطقه و چه در داخل ایران به زیان رژیم اسلامی تغییر کرده است، با رویکرد تعرضی تری به مبارزات خود ادامه می دهند. دوره، دوره خود سازماندهی، شکل دادن به رهبری سراسری، ایجاد شوراها و نهادهای حاکمیت کارگری و توده ای و آمادگی برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است.

علی خامنه ای روز چهارشنبه ۱۲ دیماه بار دیگر و برای سومین بار از زمان سقوط حکومت بشار اسد، به بهانه سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی یکی از فرماندهان جنایتکار و خونریز سپاه پاسداران، خواست به توجیه یکی از سیاستهای پر هزینه جانی و مالی و شکست خورده اش یعنی "استراتژیک جنگ بازدارنده" بپردازد. هدف خامنه ای از ظاهر شدن های مکرر و موعظه های پامنبی، دادن روحیه به افراد روحیه باخته اش در سپاه پاسداران و بسیج و نیروهای امنیتی است؛ نیروهایی که به دنبال شکستهای پیایی جمهوری اسلامی و خطرات کشیده شدن جنگ منطقه به ایران، نگران سرنوشت و آینده خود شده اند. به دنبال این شکستها بسیاری از تحلیل گران و عوامل رژیم حتی در درون جناح اصولگرا امروز که نتایج چهار دهه جنگ افروزی و شرارت حاکمان رژیم اسلامی را می بینند، اعتراف می کنند که خونها و هزینه های کلان سیاستهای حکومت اسلامی، به هدر رفته و آینده شان نیز در معرض خطر و نابودی قرار گرفته است.

در چنین شرایطی خامنه ای می خواهد با روی آوری به خرافات مذهبی، نتایج سیاستهایی که طی چهار دهه گذشته در کشورهای منطقه انجام داده را وارونه جلوه دهد. در این رابطه خامنه ای گفت: "پیروزی جبهه حق قطعی است. بدانید آنهایی که امروز در سوریه جولان می دهند زیر پای مؤمنین لگدمال خواهند شد. پایگاههای آمریکا زیر پای جوانان سوری لگدمال خواهند شد؛ لبنان و یمن که نماد مقاومت هستند پیروز خواهند شد. اگر این جانها نمی رفتند و این حاج قاسم سلیمانی توی کوهها و بیابانهای منطقه با این شهامت حرکت نمی کرد و دنبال خودش کسانی که کشته شدند را نمی کشاند، امروز از این اعتبار مقدس (منظور قهرها) خبری نبود. نه فقط از زینبیه خبری نبود، از کربلا و نجف هم خبری نبود." او با ریز کردن کلمات تکراری و غیر منسجم پشت سرهم که نشان از عدم تمرکز و برآشفتنگی داشت، گفت "عده ای که از روی عدم تحلیل درست، عدم فهم درست، عدم شناخت لازم از مسائل، تصور می کنند، به زبان می آورند و شاید ترویج می کنند، که با حوادث اخیر منطقه خونهایی که در راه دفاع از حرم ریخته شد، هدر رفت، اشتباه می کنند."

موعظه های خامنه ای که گویا در دفاع از قبر زینب این همه خون و مال داده اند، در تناقض آشکار با سخنان بعدی و اهداف واقعی او است. او به سخنان علی امام اول شیعیان متوسل شد که گویا گفته: "اگر با دشمن در خانه تان بجنگید دلیل می شوید." آوردن این مثال برای توجیه همان سیاست "استراتژی جنگ بازدارنده" حکومت اسلامی است که خودشان می گفتند: "اگر امروز در سوریه و لبنان نجنگیم فردا باید در خرمشهر و اهواز بجنگیم". بنابراین هدف حکومت اسلامی از اتخاذ چنین سیاست توسعه طلبانه و جنگ افروزانه ای که اکنون در آن شکست فضاحت باری خورده است، از همان ابتدا در شعارهای "جنگ، جنگ، جنگ تا پیروزی، و راه آزادی قدس از کربلا می گذرد"، مشهود و سیاستی برای بقای حکومت اسلامی بود. این توجیه خامنه ای و دیگر سران رژیم اسلامی برای چنین شکست مفتضحانه ای، خود "عذر بدتر از گناه" است. آنها گرچه می دانند که دیگر محور مقاومتی در کار نیست، از "قوی بودن" و احیای باصطلاح "محور مقاومت" و بازپس گیری سوریه دم می زنند. بنابراین هدف از این

رزمایش بازدارندگی پیامبر اعظم نشانه وحشت جمهوری اسلامی از قیام توده ای

اعتصابات و اعتراضات رو به گسترش توده ای است. زیرا رژیم درمانده و فاسد جمهوری اسلامی برای بقای حاکمیت ننگین خود، راهکار و ابزاری جز سرکوب مردم در اختیار ندارد. مشکل اصلی رژیم این است که شکست استراتژی نظامی پُر هزینه "جنگ بازدارنده" اش در خارج، همزمان است با ورشکستگی جمهوری اسلامی در عرصه سیاستهای اقتصادی در داخل که موجب تورم و گرانی، فقر و بیکاری بی سابقه شده و زندگی و معیشت کارگران و اکثریت عظیم جامعه را به فلاکت کشانده است. حکومت اسلامی که از برآورده کردن نیازهای مردم زحمتکش ناتوان است، هرروزه در مقابل اعتصاب و اعتراضات کارگران و دیگر اقشار تهیدست جامعه قرار می گیرد. بسیاری از مردم وضعیت فعلی رژیم را مشابه شرایط دوره قبل از قیام سال ۵۷ ارزیابی می کنند و وقوع تحولات بزرگ اجتماعی و سرنگونی جمهوری اسلامی را بسیار محتمل می دانند. شایان ذکر است که خامنه ای و هسته مرکزی سپاه پاسداران نیز علیرغم دروغپردازی و رجز خوانیها هرروزه شان بر این امر واقف هستند و نا توانی و درماندگی در چنین وضعی به معضل روزانه و کابوس شبانه شان تبدیل شده است.

اما در شرایطی که رژیم سرمایه داری اسلامی آشکارا نیروهای سرکوبش را برای مصاف و درگیری با اعتصاب و اعتراضات کارگران و توده های مردم زحمتکش آماده می کند، ضروری است آنان نیز خود را برای به شکست کشاندن و سرنگونی حکومت سرکوبگر اسلامی سرمایه آماده نمایند. سلاح دست کارگران و اقشار تهیدست جامعه، اعتصابات سراسری و سازمان یافته کارگران در مراکز کلیدی صنعتی و خدماتی، توأم با اعتراضات و اعتصاب سیاسی توده ای اقشار فرودست جامعه است. سلاحی برنده که می تواند استراتژی سرکوب رژیم را به شکست بکشد. در چنین شرایطی و بر متن تداوم اعتصابات کارگری و مبارزات توده ای، وظیفه عاجل رهبران و فعالین چپ و کمونیست و پیشرو، تلاش سازمان یافته و مداوم برای ایجاد نهادها و تشکلهای طبقاتی و توده ای از جمله شورا، سندیکا در مراکز کارگری، ایجاد انجمن ها و شوراهای زنان و نهادهای توده ای در محلات و بویژه حاشیه شهرها است. اقداماتی که در خدمت سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی قرار دارند.

سودانی گفت: "حشدشعبی یکی از مؤلفه های قدرت در عراق است و باید حفظ و تقویت گردد. در مقابل اشغالگری آمریکا در عراق هم باید با جدیت ایستاد." تأکید خامنه ای بر ضرورت حفظ و تقویت گروههای تروریست حشدشعبی وابسته به خود در حالی است که روزنامه وال استریت جورنال همان روز چهارشنبه از برنامه دولت ترامپ برای تشدید تحریم ها همراه با گزینه نظامی علیه جمهوری اسلامی خبر داد.



اما هدف اصلی جمهوری اسلامی از راه انداختن رزمایشهای نظامی بازدارنده، مقابله با "خطر" بروز یک برآمد و خیزش سراسری توده ای در اثر گسترش اعتصاب و اعتراضات کارگران و دیگر اقشار تهیدست جامعه است که روزانه در داخل در جریان و در حال گسترش است. به این منظور سپاه پاسداران با هدف ایجاد فضای نظامی و امنیتی در داخل شهرها به ویژه تهران، اجرای رزمایش غیر معمول افراد بسیج در داخل شهر تهران را نیز به مانورهای نظامی افزوده است. فرمانده "سپاه پاسداران تهران بزرگ" اعتراف نمود هدف این مانور نظامی که به ادعای او با شرکت ۱۱۰ هزار بسیجی انجام می شود، آماده سازی نیروهای جمهوری اسلامی برای مقابله با هرگونه تهدیدات "انسان ساخت"، علیه پایتخت طراحی شده است. چنین مانوری با شرکت این تعداد بسیجی مفت خور، نمی تواند آماده سازی برای مقابله با حملات موشکی، پهبادی یا هوایمای جنگی خارجی باشد. بلکه دقیقاً برای آماده سازی برای سرکوب و رویارویی با اعتراضات و اعتصابات داخلی با به قول سخنگوی سپاه پاسداران تهدیدات "انسان ساخت" است. سران رژیم می دانند که با وخیم تر شدن اوضاع اقتصادی و اجتماعی و معیشتی جامعه ایران به نقطه انفجار رسیده است.

روشن است که هدف از برگزاری چنین مانوری ایجاد آمادگی در نیروهای رژیم برای مقابله و سرکوب

شکستهای سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی در سطح منطقه و فروپاشی نیروهای باصطلاح "محور مقاومت"، مسئولان و فرماندهان رژیم در سطوح مختلف را دچار یأس و نا امید و در عین حال نگرانی از موقعیت خود کرده است. موعظه ها و دروغپردازیهای مکرر و چندباره خامنه ای و دیگر رهبران رژیم و سپاه برای القای این یاوه گویی ها که "شکست نخورده ایم، محور مقاومت زنده و قوی است و قویتر خواهد شد، نتوانسته در تقویت روحیه صفوفشان مؤثر باشد و در آنها اطمینان خاطر ایجاد کند. اما این تنها مسئولان و مقامات رژیم نیستند که اعتماد خود به بقای رژیم را از دست داده اند، بلکه ناتوانی رژیم اسلامی چه در عرصه دفاع نظامی در مقابل حملات هوایی اسرائیل و چه در رفع بحرانها و اداره جامعه ورد زبان بسیاری از مردم ایران شده و از سرنگونی رژیم صحبت می کنند. در چنین شرایطی هسته مرکزی فرماندهان سپاه پاسداران در تلاش برای کنترل اوضاع و غلبه بر فضای وحشت و نگرانی و نشان دادن توان نظامی، اقدام به برپایی مانورهای نظامی در سطوح مختلف کرده اند تا به خیال خود قابلیت نظامی دفاع از خود را به داخل و خارج نشان دهند.

به گفته پاسدار شادمانی فرمانده قرارگاه رزمایش های باصطلاح "اقتدار" رژیم، این مانورها که از روز یکشنبه ۱۶ دیماه آغاز شده است، دو ماه طول خواهد کشید. البته این مانورها که نام "مانور بازدارندگی پیامبر اعظم ۱۹" بر آن نهاده اند، بیشتر برای نشان دادن بازسازی سامانه موشکی است که در حملات ماههای گذشته اسرائیل از بین رفته بود و پیامی نیز به نتانیاهو است. در شرایطی که نیروهای نیابتی و "محور مقاومتی" رژیم در غزه، لبنان، سوریه بسیار ضعیف شده اند، اسرائیل، آمریکا و دیگر همپیمانان شان در صددند تا دست جمهوری اسلامی از بقیه نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی از جمله حشدشعبی در عراق و حوثیهای یمن را نیز با خلع سلاح کردن آنها کوتاه سازند. روز چهارشنبه ۱۹ دیماه محمد شیاع سودانی نخست وزیر عراق با پیامی در رابطه با ضرورت خلع سلاح آن دسته از نیروهای حشدشعبی که از جمهوری اسلامی فرمان می گیرند راهی تهران شد و با خامنه ای و پزشکیان دیدار و گفتگو کرد. او از خطر حمله آمریکا و اسرائیل به عراق و ایران در صورت مسلح ماندن این نیروها به خامنه ای هشدار داد. اما علی خامنه ای با تجاهل در مورد آن در پاسخ به

مبارزه علیه اعدام را به جنبش سراسری تبدیل کنیم!

کارگران پرچم مبارزه علیه اعدام را در دست بگیرید!

اجتماعی اهمیت استراتژیک پیدا کرده است. در حالی که جامعه ایران در موقعیت انفجاری قرار گرفته و هر رویداد غیر قابل پیش بینی ممکن است کوه باروت خشم و اعتراض فرودستان جامعه را به انفجار کشاند، سران رژیم در اوج درماندگی با تکیه بر استراتژی سرکوب می خواهند جامعه را به عقب برگردانند. در شرایطی که اعلام و تشدید سرکوب به رمز بقای جمهوری اسلامی تبدیل شده است و در حالی که کارزار "سه شنبه های نه به اعدام" وارد چهل و هشتمین هفته خود شده است و زندانیان در ۲۸ زندان هر هفته سه شنبه ها در اعتراض به این مجازات ضد انسانی اعتصاب غذا می کنند، سراسری کردن جنبش مبارزه با اعدام بیش از هر زمانی به یک ضرورت سیاسی تبدیل شده است.

همانطور که کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در بیانیه خود تأکید کرده اند «رمز پیروزی و توقف ماشین اعدام، همبستگی و اتحاد همگانی است»، لازم است برای سراسری کردن جنبش مبارزه با اعدام پیگیرانه تلاش کرد. با توجه با جایگاه طبقه کارگر در تولید اجتماعی و با توجه به نقشی که طبقه کارگر با اعتصابات سراسری خود در مراکز کلیدی تولید می تواند در زمینگیر کردن ماشین سرکوب رژیم داشته باشد، بر فعالین سوسیالیست جنبش کارگری لازم است که ضرورت برافراشتن پرچم مبارزه علیه مجازات اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی را هر چه بیشتر به میان کارگران ببرند. تاکنون تشکل ها و نهادهای کارگری، فعالین جنبش زنان، دانشجویان، معلمان و نویسندگان مبارز نقش مؤثر و ارزنده ای در ارتقای آگاهی عمومی به ضرورت مبارزه با مجازات اعدام ایفا کرده اند، این تلاش ها باید پیگیرانه و در ابعاد گسترده تر ادامه یابد. مجازات اعدام قتل عمد دولتی است، باید در مقابل موج اعدام ها از حق زندگی انسان قاطعانه دفاع کرد، باید برای لغو فوری مجازات اعدام یکپارچه و متحدانه به میدان آمد، باید ماشین اعدام و سرکوب حکومت اسلامی سرمایه داران را متوقف کرد.



همانطور که در بیانیه کارزار آمده حکومت اسلامی برای جلوگیری از اعتراضات توده ای دست به سرکوب و اعدام می زند. واقعیت این است که اعدام زندانیان، بگیر و ببند فعالین جنبش های اجتماعی و تشدید فضای سرکوب به منظور ایجاد رعب و وحشت در جامعه جهت مقابله با خیزش های احتمالی، همواره بخشی از موجودیت رژیم جمهوری اسلامی بوده است. اما اینبار و در شرایطی که تداوم اعتصاب ها و اعتراضات کارگری، اعتراضات پرستاران، اعتراضات پیگیرانه و سراسری بازنشستگان و اعتراضات دانشجویی به بخشی از واقعیت جنبش کارگری و جامعه ایران تبدیل شده است و جنبش انقلابی ژینا در اشکال مختلف بویژه در ایستادگی و مقابله شجاعانه زنان آزاده ایران علیه قوانین و سیاست های زن ستیز رژیم جمهوری اسلامی ادامه دارد، اعدام و تشدید سرکوب به محور استراتژی بقای رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

در حالی که بحران عمیق اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی را در تنگنا قرار داده؛ بحران کمبود برق و انرژی علاوه بر تشدید مشکلات زندگی روزانه مردم، بسیاری از مراکز تولیدی را نیز از کار انداخته؛ استراتژی "جنگ بازدارنده" رژیم به بن بست رسیده و نیروهای "محور مقاومت" آن فروپاشیده اند؛ دستگاه ایدئولوژیک ورشکسته اش توان مشروعیت بخشی به هزینه های سنگینی که به نیروهای "محور مقاومت" اختصاص داد و به این همه فقر و فلاکت اقتصادی و بی حقوقی های سیاسی و اجتماعی که به مردم تحمیل کرده را از دست داده است؛ قدرقدرتی سپاه پاسداران در انظار عمومی فرو ریخته و این مجموعه جدال و کشمکش درونی باندهای حکومتی را تشدید کرده؛ رژیم جمهوری اسلامی در این شرایط بیش از هر زمانی به پافشاری بر استراتژی سرکوب نیاز پیدا کرده است.

از این رو مبارزه علیه مجازات اعدام و در هم شکستن فضای سرکوب برای جنبش کارگری و همه جنبش های پیشرو

اعضای کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در چهل و هشتمین هفته از فعالیت و اعتصاب غذا، طی بیانیه ای به تاریخ سه‌شنبه ۴ دی ماه ۱۴۰۳ پیوستن زندان رودسر در استان گیلان به این کارزار را اعلام کردند. در این روز اعضای «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در ۲۸ زندان علیه مجازات اعدام و جنایات رژیم جمهوری اسلامی دست به اعتصاب غذا زدند. در بخشی از این بیانیه آمده است:

«در سال ۲۰۲۴ حکومت مستبد حاکم بر ایران تا کنون دست کم ۹۵۳ تن را فقط با چوبه‌های دار به قتل رسانده است؛ حدود ۳۳ تن از آنها زن بوده و در مجموع ۸ زندانی سیاسی را اعدام کرده است. همچنین حدود ۹۶ تن از هموطنان کرد و ۱۰۱ تن از هموطنان بلوچ را در این یک ساله اعدام کرده است. زندان قزلحصار کرج به عنوان مرکز اصلی اعدام‌ها، قتلگاهی است که با ۱۵۸ اعدام در سال ۲۰۲۴ حدود ۱۷ درصد از کل اعدام‌های کشور را به خود اختصاص داده است. در هفته گذشته حکومت اعدامی، روز چهارشنبه ۲۸ آذر ماه یک زندانی سیاسی کرد با نام رحیم برین را در زندان مهاباد پس از ۱۹ سال شکنجه به دار آویخت. همچنین یک زندانی سیاسی دیگر در زندان ارومیه با نام روزگار بیگ زاده بابامیری که در اعتراضات ۱۴۰۱ در بوکان بازداشت شده بود، توسط شعبه ۱۰ بازپرسی دادسرای انقلاب ارومیه، متهم به محاربه و بغی شده است که خطر صدور حکم اعدام وی وجود دارد.»

اعضای کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در بخش پایانی بیانیه خود بار دیگر تأکید کرده اند که: «حکومت برای جلوگیری از اعتراضات مردمی دست به سرکوب و اعدام می زند و تمام اعدام‌ها در ایران جنبه سیاسی دارد؛ لذا اعضای این کارزار مجدداً از تمام ارگانها و نهادهای مردمی و حقوق بشری در داخل و خارج از کشور می‌خواهد برای جلوگیری از اعدام‌ها در ایران تلاش جدی به عمل آورند. رمز پیروزی و توقف ماشین اعدام، همبستگی و اتحاد همگانی است. ما می‌توانیم و وظیفه داریم علیه اعدام بایستیم تا این قتل سیستماتیک را متوقف نماییم.»

تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه‌له برنامه‌های خود را به همراه تلویزیون‌های "دمکراسی شورایی"، "پرتو" و "برابری" بر روی کانال ماهواره‌ای "تلویزیون آترناتیو شورایی" کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاهسات پخش می کند.



ساعت پخش برنامه‌های تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه‌له به وقت تهران:

- آغاز برنامه‌ها، ۱۷،۳۰، پنج و نیم عصر
- تکرار بار اول، ۲۳،۳۰، یازده و نیم شب
- تکرار بار دوم، ۰۵،۳۰، پنج و نیم صبح
- تکرار بار سوم، ۱۱،۳۰، یازده و نیم قبل از ظهر

"شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست"

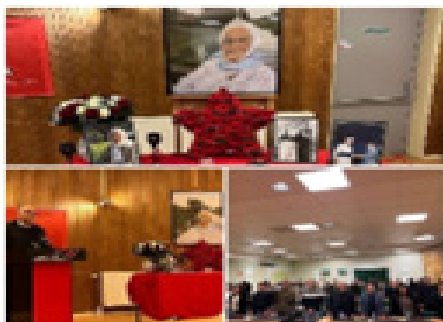
نیز روی همین کانال برنامه‌های مشترک خود را تحت عنوان تلویزیون "آترناتیو شورایی" در روزهای سه شنبه و یکشنبه هر هفته برنامه‌های خود را پخش می کند.

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان در باره حکم جنایت کارانه علیه پخشانی عزیز و وریشه مرادی

گزارشی از برگزاری مراسم یاد بود و گرامیداشت دایه فراست جافر قشلاقی در شهر لاهه - هلند

مراسم روز شنبه، ۲۸ دسامبر ۲۰۲۴، مراسم یادبودی برای گرامیداشت دایه فراست جعفر قشلاقی با حضور گرم دوستان، آشنایان، هواداران کومه‌له و حزب کمونیست ایران، و رفقای تشکیلاتی در شهر لاهه برگزار شد.

این مراسم با معرفی لیست برنامه‌ها از طرف مجری برنامه، رفیق ریزان معارفی‌پور، به زبان کردی آغاز شد. ابتدا مراسم با اجرای سرود انترناسیونال، سرود همبستگی جهانی طبقه کارگر، آغاز گردید. سپس به یاد دایه فراست



و تمام جان‌باختگان راه آزادی و سوسیالیسم یک دقیقه سکوت اعلام شد، سکوت با قرائت شعری از سوی رفیق آرزوبی کس شکسته شد.

در ادامه، رفیق سرکوت رستم‌گرچی، پسر دایه فراست، ضمن تشکر و قدردانی از شرکت‌کنندگان در مراسم یادبود دایه فراست، همچنین در رابطه با زندگی و خاطراتی از دایه فراست و خواهران جان‌باخته‌اش سخنانی بیان کرد.

پس از آن رفیق محمد نبوی، از طرف نمایندگی کومه‌له در خارج از کشور، در رابطه با زندگی مبارزاتی دایه فراست و فرزندان دلبند و جان‌باخته دایه فراست در صفوف کومه‌له و حزب کمونیست ایران و همچنین مادران جنبش انقلابی کردستان سخنانی را تقدیم حضار کرد.

به دنبال سخنان رفیق محمد نبوی، پیام‌های تسلیت و همدردی که به مناسبت درگذشت دایه فراست از طرف جمعی از دوستداران کومه‌له و حزب کمونیست ایران از شهر بانه به سالن مراسم یادبود دایه فراست فرستاده شده بود، قرائت شد. در بخش بعدی مراسم پیام همدردی و تسلیت فعالین مدنی و محیط زیستی و همچنین گروه کوهنوردی چل‌چمه که برای خانواده دایه فراست فرستاده شده بود، خوانده شد.

در جریان مراسم، سرودهای انقلابی و کلیپ‌هایی با تصاویری از دایه فراست و رفقای جان‌باخته پخش شد. در پایان، مراسم یادبود دایه فراست با قرائت شعری از طرف رفیق آرزوبی کس به پایان رسید.

زنان و مردان مبارز سنندج راه نشان دادند.

اعتراضات روزها و هفته‌های گذشته در کردستان و تجمع شکوهمند امروز در شهر سنندج علیه تهدید اعدام پخشانی عزیز و وریشه مرادی از سوی فعالین اجتماعی و انسان‌دوست جامعه کردستان، دادخواهان و خانواده قربانیان توحش اسلامی، نهادها و تشکل‌های آزادیخواه، نشان از آگاهی و احساس مسئولیت طیف‌های مختلف جامعه کردستان در مقابل موج دستگیری و سرکوب جمهوری اسلامی دارد و امید به میدان آمدن توده‌های وسیع جامعه را برای کوتاه کردن دست جمهوری اسلامی از اعدام و کشتار عزیزانمان زنده نگه داشته است. مردم مبارز کردستان!

جمهوری اسلامی پس از ۴۶ سال اعدام و سرکوب نتوانسته است جامعه کردستان را به تسلیم بکشد. برعکس، تحرک کنونی شما در دفاع از حق حیات و زندگی پخشانی عزیز و وریشه مرادی به همه نشان داد که مردم مبارز در کردستان فعالانه‌تر در میدان مبارزه علیه سرکوبگری‌های جمهوری اسلامی ایستاده‌اند. تنها امید برای نجات جان زندانیان اعدامی ادامه و گسترش همین ابتکارات و تحرکاتی است که در این روزها با شیوه‌های مختلف شما انجام داده‌اید. اعتراضات علنی و پرجمعیت باید از شهر سنندج فراتر برود و با گسترش آن به دیگر شهرها، علاوه بر اعمال فشار بیشتر به جمهوری اسلامی، همچنین دست رژیم را از سرکوب آنها کوتاه کرد. هنوز خطر و سایه شوم اعدام از روی سر پخشانی و وریشه کنار نرفته است و به سرانجام رساندن آن کار اعتراضات وسیع‌تر و پیگیرانه‌تر ما در همه شهرهای کردستان است.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان دست همه انسان‌هایی را که در دور اخیر با زحمات شبانه روزی کارزار اعتراض به حکم اعدام پخشانی عزیز و وریشه مرادی را جهانی کردند به گرمی می‌فشارد و در کنار آنها با برپایی پیکت و تظاهرات و تلاش برای جلب توجه نهادهای انسان‌دوست و آزادیخواه خواهد کوشید. ما از مردم آزاده می‌خواهیم با اعتراض و تجمعات خود در شهرها تا لغو این حکم جنایت‌کارانه علیه پخشانی عزیز و وریشه مرادی از پای ننشینند.

نه به اعدام

مرگ بر جمهوری اسلامی

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
در کردستان

۲۶ دی ۱۴۰۳

۱۵ ژانویه ۲۰۲۴



رفت از بحران‌های مزمن و حفظ قدرت جنایت‌کارانه خود دست به هر اقدام سبعمانه و ضد انسانی می‌زند. درست کردن پاپوش و پرونده جعلی و فشار برای تحمیل اقرار اجباری، سیاست روتین نهادهای امنیتی رژیم در سرتاسر حیات حاکمیت ننگین او بوده است. اما صادر کردن احکام فله‌ای این روزها توسط قضات جنایت‌کار رژیم در واقع مقابله با جامعه معترض ایران و به هدف عقب نشاندن خطر طغیان و شورش مردم است. جمهوری اسلامی اکنون بیش از هر زمان دیگری در حالت ضعف و ناتوانی بسر می‌برد و به‌خوبی دریافته است که دشمن واقعی او نه آمریکا و اسرائیل بلکه مردم معترض و به جان آمده‌ای هستند که هر روز و به شیوه‌های مختلف دست به کار سرنگونی آن هستند.

سرکوبگران رژیم برای پنهان کردن کابوس و ترس خود از طغیان توده‌های میلیونی، به فضای رعب و وحشت و صدور احکام جنایت‌کارانه پناه آورده و به خیال خود با این سیاست پیشگیرانه می‌توانند جامعه عاصی از حاکمیت سیاه خود را ساکت کند. اما دیگر برای جمهوری اسلامی دیر شده‌است. حتی وفادارترین مهره‌های این رژیم سرکوبگر هم اکنون پایان کار جمهوری اسلامی را حتمی می‌دانند. شیشه عمر این رژیم سفاک در دست مردم معترض، کارگران، معلمان، بازنشستگان و زنان تحت ستم و اکثریت جامعه‌ای است که تنها با به گور سپردن آن می‌توانند به یک زندگی امن و عاری از تهدید و فقر و تحقیر امیدوار باشند.

خامنه ای و جام زهر سازش با ترامپ "ملعون"

تهران پس از سرهم کردن دروغهایی از قبیل اینکه: به دنبال ضربات اسرائیل موقعیت ایران در خاورمیانه تضعیف نشده، شکست نیروهای متحد جمهوری اسلامی در منطقه از جمله حزب الله لبنان، حماس و سقوط بشار اسد در سوریه به جمهوری اسلامی نامرتب است، ما نسبت به سال گذشته امنیت بیشتری در کشور داریم و غیره، گفت: "جمهوری اسلامی اصولاً مشکلی برای مذاکره با آمریکا ندارد و آماده گفتگو با دولت ترامپ است. او افزود "مشکل ما دیالوگ نیست بلکه تعهداتی است که گفتگوها ایجاد می کنند و ما باید به آنها متعهد باشیم. اما آمریکا در پی حل مشکلات نیست. ما هرچقدر هم که وارد گفتگو و مذاکره شویم، آنها در تلاش هستند حکومت را سرنگون کنند، نه اینکه مشکلات را حل کنند."

سخنان پزشکبان و عراقچی در رابطه آمادگی برای مذاکره با آمریکا در حالی است که خامنه ای تا کنون بارها اعلام کرده که: "ما مطلقاً با آمریکا در باره مسائل ناموسی انقلاب گفتگو نمی کنیم و به ویژه ترامپ را شایسته مبادله پیام هم نمی دانم. با دولت آمریکا به ویژه با دولت این ملعون (ترامپ) به بدلیل کشتن قاسم سلیمانی) هرگز مذاکره نمی کنیم". البته اعلام آمادگی عراقچی و پزشکبان جهت مذاکره با آمریکا، جزو اختیارات آنها نیست. در این رابطه حسین شریعتمداری نماینده مرتجع و خشک مغز خامنه ای در کیهان اعلام کرد، تصمیم مذاکره با آمریکا در صلاحیت رئیس جمهور نیست و

شکستهای پی در پی جمهوری اسلامی در سیاستهای منطقه ای و استراتژی جنگ بازدارنده اش و نحیف شدن و از هم پاشیدن نیروهای باصطلاح "محور مقاومت" رژیم، منجر به تضعیف بیش از پیش حکومت اسلامی در داخل و خارج شده است. اینک جمهوری اسلامی در تلاش است قبل از وارد شدن مجدد ترامپ به کاخ سفید، بطور مستقیم با آمریکا وارد مذاکره بر سر پرونده هسته ای گردد. کاری که خامنه ای تا کنون بارها آنرا ممنوع اعلام کرده و گفته با آمریکا هرگز مذاکره نخواهیم کرد.

با این وجود روز دوشنبه ۲۴ دیماه عباس عراقچی پس از مدتها در ژنو با دولتهای تروئیکای اروپایی بر سر پرونده هسته ای به گفتگو پرداخت. اما از آنجا که این نشست در واقع مقدمه و آغازی برای مذاکره رودررو با آمریکا بود، زیاد طول نکشید و روز سه شنبه پایان یافت. بعد از این نشست عراقچی طی مصاحبه ای با اشاره تلویحی به آمادگی مذاکره با آمریکا اعتراف نمود که: "چون عمده تحریمها مربوط به تحریمهای آمریکا است، لغو آنها منوط به این است که اروپائیان چگونه با دولت جدید آمریکا به توافق برسند. هنوز دولت جدید آمریکا مستقر نشده است سیاست و حرفی در این خصوص ننشیده ایم. جمهوری اسلامی سیاست خود را براساس رویکردهای طرف مقابل تنظیم خواهد کرد."

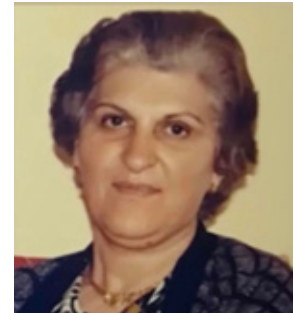
مسعود پزشکبان نیز روز چهارشنبه ۲۶ دیماه در این رابطه در مصاحبه با تلویزیون "ان بی سی" در

اطلاعیه نمایندگی کومه له

در خارج کشور

در مورد فوت ربابه خانم کمانگر

با کمال تأسف روز یکشنبه ۲۳ دی ماه قلب بزرگ، مهربان و پر از امید ربابه خانم کمانگر بعد از سه سال استقامت در برابر بیماری در سن ۸۰ سالگی از تپش باز ایستاد. مرگ ربابه خانم یقیناً باعث درد و اندوه خانواده مبارز کمانگر و کسانی که طی چهار دهه گذشته شاهد مبارزه و از خود گذشتگی ایشان در مقابل نیروهای سرکوبگر جمهوری



اسلامی بوده اند، خواهد شد.

ربابه خانم سیمای شناخته شده و مبارز منطقه کامیاران و سنج بود، علیرغم فشار و اذیت و آزار نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی، پیگیرانه به مبارزه علیه نظام ضد انسانی جمهوری اسلامی ادامه داد. سال ۱۳۵۹ همراه با دو خواهر و فرزند خردسالش دستگیر و مدتی در شهر سنج زندانی میشوند، بعد از این دوره از زندان، ربابه خانم برای بار دوم همراه با همسر و فرزند خردسالش در تهران دستگیر و راهی زندان میگرددند، این بار نیز بعد از مدتی آزاد میگرددند.

ربابه خانم مادر پیشمرگ جانباخته کومه له رفیق جواد جلیلی و خواهر رفقا صدیق، معروف و ثنوف کمانگر و خاله رفیق جانباخته داریوش رضایی می باشند، این انسان انقلابی بار سنگین از دست دادن فرزند دلیندش و سه برادر و خواهر زاده عزیزش را صبورانه متحمل شد و خود به تکیه گاهی برای فرزندان رفیق صدیق و خواهران و کل خانواده تبدیل شد، بار گران از دست دادن این عزیزان و فشار نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی نتوانست ذره ای از اراده پولادین و عزم راسخش برای مبارزه با رژیم جنایت کار اسلامی بکاهد و تا آخرین لحظات زندگی اش به مبارزه ادامه داد.

نماینگی کومه له ضمن ارج نهادن به مبارزه، استقامت و فداکاری دایه ربابه، یاد عزیزشان را گرمی می دارد و خود را در غم و اندوه بازماندگان شان سهیم می داند. یاد عزیزشان گرمی باد

نماینده کومه له در خارج کشور

۲۳ تیر ۱۴۰۳



"شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" تعرضات نظامی دولت فاشیستی ترکیه علیه مردم کردستان سوریه را به شدت محکوم می کند و همبستگی و حمایت خود را از جنبش مقاومت مردم کردستان سوریه اعلام می کند و همه نیروهای شورا و انسانهای آزاده را به شرکت فعال در آکسیون های حمایت از این امر فرا میخواند.



نماید. آنچنان که اوضاع معیشتی، رفاهی و عمرانی، صنعتی، کشاورزی در سالهای قبل از اِعمال تحریمها نیز نا بسامان بود. در آن زمان نیز حداقل دستمزد کارگران دو و سه مرتبه زیر خط فقر قرار داشت.

با این وجود تحریمهای آمریکا و دیگر قدرتهای سرمایه داری غربی جنایتکارانه است و باید لغو شوند. زیرا تحریمها در همان حال که دودش قبل از همه به چشم کارگران و اقشار تهیدست جامعه می رود، برای مافیای قدرت در سپاه پاسداران و آقازاده‌ها و رانت خواران اعوان و انصار مسئولان حکومتی، دور زدن تحریمها نیز به فرصتی برای دزدی و اختلاس و بهره بری از آن از تبدیل شده است.

عمر جمهوری اسلامی با سیاستهای ارتجاعی و توسعه طلبانه و فساد و دزدی نهادینه شده در همه ارکان حکومت، به پایان رسیده است. تداوم حکومت اسلامی غیر ممکن شده اما تنها به دلیل عدم آمادگی طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی این طبقه و عدم سازمانیابی دیگر اقشار زحمتکش و فرودست جامعه توانسته است سرپا بماند.



شکست و ناکامی سیاستها و استراتژی جمهوری اسلامی اعتراف می کنند، نمی خواهد مستقیماً مسئولیت آنرا بر عهده بگیرد. به همین دلیل او با دادن چراغ سبز مخفیانه به دولت پزشکیان برای مذاکره با



آمریکا جام زهر دیگری را سرکشیده است.

البته ابعاد و دامنه بحرانهای جمهوری اسلامی آنقدر گسترده است که رفع تحریمها از جانب آمریکا و غرب نیز با توجه به هزینه‌های کلان جمهوری اسلامی در عرصه‌های سرکوب و سیاستهای توسعه طلبانه و دخالت گرانه در کنار فساد دزدی، اختلاس، رانتخواری و غیره نمی تواند گشایشی در زندگی و معیشت کارگران و توده‌های مردم زحمتکش ایجاد

پزشکیان و تیم او نمی توانند در این مورد تصمیم بگیرند. اما به نظر می رسد او خبر ندارد که شأن نزول پزشکیان و در آوردن نامش از صندوق انتخابات ریاست جمهوری نیز به منظور ایجاد شرایط مناسب جهت اعلام آمادگی و موافقت مستقیم با مذکره با آمریکا بوده است.

اما مواضع متفاوت رهبران جمهوری اسلامی در رابطه با مذاکره با آمریکا را نباید به حساب تناقض میان آنها دانست. زیرا خامنه‌ای و هسته مرکزی سپاه پاسداران به دلیل شکست استراتژی در سیاستهای منطقه‌ای و انزوای بین المللی و تشدید بحران اقتصادی و پیامد تحریمها با بن بست و ورشکستگی روبرو شده اند. تشدید بحران اقتصادی و پیامد تحریمها کفگیر حکومت اسلامی را به ته دیگ رسانده، تا جایی که به اعتراف پزشکیان اینک پولی حتی برای پرداخت حقوق کارمندان و دیگر هزینه‌های ضروری نیز در دست ندارند. با بازگشت ترامپ به قدرت و تشدید تحریمها، اوضاع اقتصادی در ایران وخیم تر نیز خواهد شد و راهی جز تلاش برای مذاکره و سازش با آمریکا به هر قیمت جهت رفع تحریمها ندارند. اما خامنه‌ای که هیچ گاه تقصیر شکست سیاستهای خود را برعهده نگرفته، این بار نیز با وجود آنکه بسیاری حتی از درون حاکمیت به غلط بودن و



شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست



با اعتراضات متحدانه و سراسری "وریشه مرادی"، "بخشان عزیز" و جوانان معترض اکباتان را از خطر اعدام نجات دهیم!



حسین نعمتی برمرزپورناک کفایی آرمون میلاد نوید امیرمحمد خوش اقبال

**مجازات اعدام
لغو باید گردد!
زندانی سیاسی
آزاد باید گردد!**